

ایران فردا

دیدگاه‌های مریم رجوی

ایران فردا - دیدگاه‌های مریم رجوی
شماره ثبت: 978-2-9554295-9-4
تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۹۷ (ژوئن ۲۰۱۸)
انتشارات شورای ملی مقاومت ایران

فهرست

صفحه ۶	طرح ده ماده‌یی برای ایران فردا
صفحه ۱۰	آرای مردم، تنها ملاک سنجش
صفحه ۱۴	لغو حکم اعدام
صفحه ۱۶	جدایی دین و دولت
صفحه ۱۹	آزادی‌ها و حقوق برابر زنان
صفحه ۳۵	احترام به حقوق بشر
صفحه ۳۶	بیانیه درهفتادمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر
صفحه ۵۰	حقوق برابر ملیت‌ها
صفحه ۵۲	یک آموزش و پرورش پیشرفته و آزاد
صفحه ۵۵	ایران غیر اتمی
صفحه ۶۰	خورشیدی در حال تولد است
صفحه ۶۲	کلام آخر؛ مقاومت برای آزادی

تعهد من

در مقابل اعتمادی که به من ابراز می‌کنید، کلامی که شایسته باشد، پیدا نمی‌کنم، جز این که خاضعانه سرفرود بیاورم، و بگویم که احساسات شما یادآور تعهد بزرگی است که بر شانه‌های من گذاشته‌اید. این، نگرانی شب و روز من است که در برابر شما، در برابر مردم ایران و در پیشگاه تاریخ و خدای بزرگ در ایفای این مسئولیت روسفید باشم.

من آمده‌ام سخن آن‌هایی را بگویم که شنیده نشده‌اند، اما نیروی تعیین‌کننده ایران‌اند. سخن آن‌هایی که سرکوب شده‌اند، اما عزم‌شان برای آزادی، ایران را دگرگون خواهد کرد. در این کار پشتگرمی من به عزم و ایمان شماست، می‌خواهم بدانید که به تک‌تک شما تکیه دارم و به همه شما نیازمندم.

مریم رجوی



طرح ده ماده‌یی برای ایران فردا

این طرح در تیرماه سال ۱۳۹۲ در گردهمایی بزرگ ایرانیان در پاریس به عموم مردم ایران ارائه شد.

- ۱- از نظر ما آزادی مردم، تنها ملاک سنجش است و بر همین اساس، خواهان یک حکومت جمهوری مبتنی بر آزادی مردم هستیم.
- ۲- ما خواهان یک نظام کثرتگرا و آزادی احزاب و اجتماعات هستیم. در ایران فردا ما به کلیه آزادی‌های فردی احترام می‌گذاریم و بر آزادی بیان و آزادی کامل رسانه‌ها و دسترسی بی‌قید و شرط همگان به فضای مجازی تأکید داریم.
- ۳- ما در ایران آزاد شده فردا، از لغو حکم اعدام دفاع می‌کنیم و نسبت به آن متعهدیم.
- ۴- مقاومت ایران از جدایی دین و دولت، دفاع خواهد کرد. هرگونه تبعیض در مورد پیروان کلیه ادیان و مذاهب، ممنوع خواهد بود.
- ۵- ما به برابری کامل زنان و مردان در کلیه حقوق سیاسی، اجتماعی و مشارکت برابر زنان در رهبری سیاسی، معتقدیم و هر گونه اشکال تبعیض علیه زنان، ملغی خواهد شد و آنان از حق انتخاب آزادانه پوشش، ازدواج، طلاق، تحصیل و اشتغال، برخوردار خواهند بود.
- ۶- ایران فردا، کشور عدالت و قانون است. ما خواهان ایجاد یک نظام قضایی مدرن، مبتنی بر احترام به اصل برائت، حق دفاع، حق دادخواهی، حق برخورداری از محاکمه علنی و استقلال کامل قضات هستیم. هم‌چنین قانون شریعت آخوندی، در ایران فردا جایی نخواهد داشت.

۷- ایران فردا کشور احترام به حقوق بشر است. ما متعهد به «بیانیه جهانی حقوق بشر» و میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله: «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «کنوانسیون علیه شکنجه» و «کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» می‌باشیم.

ایران فردا، کشور برابری همه ملیت‌هاست. ما بر خودمختاری کردستان ایران که طرح آن را شورای ملی مقاومت تصویب کرده، تأکید داریم. زبان و فرهنگ هموطنان ما از هر ملیتی که هستند، در زمره سرمایه‌های انسانی تمام مردم این کشور است که باید در ایران فردا ترویج شود و گسترش پیدا کند.

۸- ما مالکیت شخصی، سرمایه‌گذاری خصوصی و بازار آزاد را به رسمیت می‌شناسیم و این اصل را پیشروی خود داریم که چه در اشتغال و چه در کسب و کار، تمام مردم ایران باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

از نظر ما ایران فردا کشور حفاظت از محیط زیست و احیای آن خواهد بود.

۹- سیاست خارجی ما مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز، صلح و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و احترام به منشور ملل متحد خواهد بود.

۱۰- ایران آزاد فردا یک کشور غیراتمی و عاری از سلاح‌های گسترده جمعی خواهد بود.

(سخنرانی در اجتماع بزرگ ایرانیان در پاریس)

اول تیر ۱۳۹۲)





آرای مردم؛ تنها ملاک سنجش

از نظر ما آرای مردم، تنها ملاک سنجش است و بر همین اساس، خواهان یک حکومت جمهوری مبتنی بر آرای مردم هستیم. ما خواهان یک نظام کثرتگرا و آزادی احزاب و اجتماعات هستیم. در ایران فردا ما به کلیه آزادی‌های فردی احترام می‌گذاریم و بر آزادی بیان و آزادی کامل رسانه‌ها و دسترسی بی‌قید و شرط همگان به فضای مجازی تأکید داریم.

ماده اول و دوم از طرح ده ماده‌یی برای ایران فردا

از نظر ما آرای مردم، تنها ملاک سنجش است و بر همین اساس، خواهان یک حکومت جمهوری مبتنی بر آرای مردم هستیم. ما در پی بنای یک جامعه آزاد و دموکراتیک هستیم.

یک قرن پیش، مجاهدان مشروطه در پی «عدالت، حریت، مساوات و اتحاد» بودند. سپس مصدق بزرگ به‌پاخواست که می‌گفت «مقصود این است که مردم در نیک و بد امور شرکت کنند و مقدرات مملکت را به دست گیرند». آنگاه فداییها و مجاهدین و دیگر پیشتازان مبارز، برای سقوط دیکتاتوری پیشین راه گشودند و حالا مقاومت ما با کهکشان شهیدانش، از اشرف و موسی تا صدیقه و ندا و زهره و گیتی برای انتخاب آزادانه یکایک مردم ایران به‌پاخته است.

ما نظام استبدادی حاکم را باطل اعلام کرده‌ایم، ما دین اجباری و زن‌ستیز را باطل اعلام کرده‌ایم، ما قانون اساسی ولایت فقیه را باطل اعلام کرده‌ایم. قانون اساسی ما، آزادی، دموکراسی و برابری است. قانون اساسی ما نه در مصوبات خبرگان جنایت، بلکه امروز در قلب یکایک ایرانیان حک شده و فردا توسط مؤسسان منتخب مردم نوشته خواهد شد.

مبنای این قانون، یک جمهوری آزاد، بردبار و پیشرفته است، مبنای آن

کثرت‌گرایی و جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد و مشارکت فعال و برابر زنان در رهبری سیاسی است. اصول ما برابری حقوق ملیتها و اقلیتهای مذهبی و جامعه‌ی بدون شکنجه و اعدام است
(سخنرانی در گردهمایی بزرگ مقاومت ایران در پاریس ۲۳ خرداد ۹۴)

... نقشه مسیر ما برای تحقق خواسته‌های ملت ایران، نبرد تمام عیار برای سرنگونی رژیم آخوندی است. هدف ما، آزادی، دموکراسی، برابری و استقرار یک جمهوری مبتنی بر جدایی دین از دولت است.
در این مسیر، ما بر مرزبندی با تمامیت رژیم حاکم و بر همبستگی با همهٔ مدافعان راستین سرنگونی این رژیم، تأکید می‌کنیم.
شورای ملی مقاومت به همین منظور تأسیس شده است؛ برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه. قدرت و حاکمیت از آن جمهور مردم ایران است. شاخص و تنها معیار، رأی آزادانه، مستقیم، مساوی و مخفی مردم ایران است.
حاکمیت آخوندی، حق حاکمیت مردم را که حیاتی‌ترین حق مردم ایران است، از آنان ربوده است.

طبق نخستین مادهٔ برنامهٔ شورا، دولت موقت برآمده از مقاومت «اساساً وظیفهٔ انتقال حاکمیت به مردم ایران» را به‌عهده دارد. این وظیفه، باید حداکثر ضمن ۶ ماه پس از سرنگونی رژیم آخوندها، با تشکیل «مجلس مؤسسان و قانونگذاری ملی»، از طریق انتخابات آزاد، با رأی عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی مردم ایران، به انجام برسد. به محض تشکیل «مجلس مؤسسان و قانونگذاری ملی» و اعلام آمادگی این مجلس برای تقبل مسئولیتهای و وظایفش، دولت موقت، استعفای خود را به این مجلس تقدیم می‌کند.

قدرت و حاکمیت از آن جمهور مردم ایران است. شاخص و تنها معیار، رأی آزادانه، مستقیم، مساوی و مخفی مردم ایران است.

ما بر آنیم که:

- مردم ایران باید از همه آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقها و کنوانسیونهای بین‌المللی، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون علیه شکنجه و کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، برخوردار شوند.

- شورای ملی مقاومت از ۳۰ سال پیش، طرح خودمختاری کردستان ایران را تصویب کرده است و همه ملیتهای ایرانی باید از حقوق و امکانات مساوی با سایرین برخوردار باشند. هر کس باید حق داشته باشد به زبان مادری خود درس بخواند.

همچنان که بارها تکرار کرده‌ام، ما در پی کسب قدرت نیستیم، بلکه می‌خواهیم حاکمیت را به مردم ایران منتقل سازیم.

می‌خواهیم مردم ایران صاحب بزرگترین قدرت انسانی، یعنی بر خور داری از حق انتخاب آزادانه باشند.

از همان روز سرنگونی حاکمیت آخوندی، مواردی را که می‌گوییم در شمار وظایف مبرم دولت موقت است:

- لغو و رفع کلیه ستمها و اجبارات و تبعیضات رژیم ارتجاعی خمینی در مورد زنان کشور، از جمله لغو محرومیت از حق انتخاب کار و پوشش،

- تساوی کامل حقوق اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی زن و مرد، و به رسمیت شناختن حقوق فردی و اجتماعی مردم، مصرحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر،

- آزادیهای عمومی شامل آزادی اجتماعات، عقیده و بیان، مطبوعات، احزاب، سندیکاها، شوراها، ادیان و مذاهب،

- آزادی انتخاب شغل، و ممانعت از هرگونه تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی و آزادیهای عمومی.

ما جامعه‌یی می‌خواهیم که آجر به آجر روابط درونی آن از انتخاب آزادانهٔ آحاد مردم ساخته شده باشد. برای برآوردن همین خواسته‌ها، عموم هم‌میهنان را به مبارزه و قیام برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه فرا می‌خوانم. همچنان که بارها تکرار کرده‌ام، ما در پی کسب قدرت نیستیم، بلکه می‌خواهیم حاکمیت را به مردم ایران منتقل سازیم. می‌خواهیم مردم ایران صاحب بزرگترین قدرت انسانی، یعنی برخوردارگی از حق انتخاب آزادانه باشند.

حاکمیت و آزادی انتخاب، حقی است که مردم ایران شایستهٔ آنند و باید به آن دست پیدا کنند. و چنین خواهد شد.

(سخنرانی در کنوانسیون سراسری ایرانیان در پاریس)

۱۹ بهمن ۱۳۹۲)

حرف ما این نیست که آخوندها بروند تا ما جایگزین آنها شویم؛ حرف ما این است که رأی و انتخاب و نظر مردم ایران، حاکمیت پیدا کند.
ما آمده‌ایم که فدای انتخاب آزادانهٔ مردم ایران شویم.
این انتخابی است که ایران را سرشار از اعتماد و گلستان آزادی و عدالت می‌کند و چنین خواهد شد.

می‌پرسید سیاست ما چیست و چه مسیری در پیش داریم؟
جواب، نبرد است و پیکار در همه اشکال، در همه جا و با تمام توان.
می‌پرسید هدف ما چیست؟

جواب، این است: برقراری آزادی، دموکراسی و برابری در ایران اسیر.
اگر این مبارزه، دشواریهای بسیار دارد، و اگر راهی طولانی است با رنج بسیار، چه باک؟ زیرا برخاسته‌ایم تا همه وجود و هستی‌مان را فدای آزادی مردم ایران کنیم.

(سخنرانی در گردهمایی بزرگ مقاومت ایران - اول تیر ۱۳۹۲)

لغو حکم اعدام

ما در ایران آزاد شده فردا، از لغو حکم اعدام دفاع می‌کنیم و نسبت به آن متعهدیم.

ماده سوم از طرح ده ماده‌یی برای ایران فردا

... طرح ما برای آینده، یک ایران بدون اعدام است. مقاومت ایران از سال‌ها پیش اعلام کرده که خواهان لغو حکم اعدام و پایان شکنجه و هرگونه نقض حقوق در ایران است.

طرح ما احیای دوستی و مدارا و بردباری است. طرح ما برای آینده، برچیدن احکام شریعت آخوندی است. ما قانون جزای ضدبشری و سایر قوانین ناقض حقوق بشر در این رژیم را رد می‌کنیم. ما مقررات قصاص را ضدانسانی می‌دانیم.

ما از قانونی دفاع می‌کنیم که برپایه گذشت و شفقت و انسانیت است. مسعود رجوی، رهبر مقاومت، در نبردهای ارتش آزادیبخش ملی ایران، هزاران تن از عوامل دستگیر شده خمینی را که بسیاری از آن‌ها مرتکب قتل مجاهدین شده بودند، بدون کمترین نقض حقوق انسانی‌شان، آزاد کرد. این سنت دیرینه مقاومت مردم ایران است.

طرح ما برای آینده ایران، پی‌ریزی یک قضایه مستقل است. طرح ما دفاع از ارزش‌های دموکراتیک و آزادی، برابری و حریم زندگی خصوصی آحاد مردم است. طرحی که در آن هیچ‌کس خودسرانه دستگیر نمی‌شود، شکنجه ممنوع است. از هیچ متهمی حق دفاع و داشتن وکیل سلب نمی‌شود، اصل برائت محترم شمرده می‌شود و هیچ‌کس و به‌خصوص هیچ زنی، در برابر خشونت و تعدی و نقض آزادی از دسترسی به عدالت محروم نیست.

طرح ما برای آینده ایران این است که هیچ‌کس به‌خاطر اعتقاد یا عدم

اعتقاد به یک دین یا به خاطر دست برداشتن از آن، آزادی و حقوق و جان خود را از دست ندهد.

طرح ما این است که در پناه قانون، تمام جامعه از امنیت حقیقی برخوردار باشد. و همه در برابر قانون مساوی باشند.

ما در پی نظم تازه‌یی هستیم بر اساس آزادی، دموکراسی و برابری. ما انتخاب کرده‌ایم که بایستیم و نبرد کنیم. تا مردمان به آزادی و خوشبختی برسند.

تا دیگر هیچ نوجوان زیر هجده‌سالی در زندان، برای رسیدن به سن قانونی اعدام، در دالان مرگ منتظر نباشد و هیچ مادری در ماتم فرزند اعدام‌شده‌اش اشک نریزد.

انگیزه ما برای مقاومت تا پیروزی، کینه و انتقام نیست. انگیزه ما عشق به آزادی و انسانیت است. این فلسفه پایداری ماست.

(کنفرانس به مناسبت روز جهانی علیه اعدام در پاریس - ۲۰ مهر ۱۳۹۴)

مقاومت ایران از سال‌ها پیش اعلام کرده که خواهان لغو حکم اعدام و پایان شکنجه و هرگونه نقض حقوق در ایران است. طرح ما برای آینده، برچیدن احکام شریعت آخوندی است. ما قانون جزای ضدبشری و سایر قوانین ناقض حقوق بشر در این رژیم را رد می‌کنیم.

جدایی دین و دولت

مقاومت ایران از جدایی دین و دولت، دفاع خواهد کرد. هرگونه تبعیض در مورد پیروان کلیه ادیان و مذاهب، ممنوع خواهد بود.

ماده چهارم از طرح ده ماده‌یی برای ایران فردا

... راهگشایی بزرگ مجاهدین، دفاع از اصل جدایی دین و دولت است که جایی برای استبداد تحت نام خدا و تبعیض مذهبی باقی نمی‌گذارد. حمایت از این اصل، نمی‌توانست جدیت و تأثیری پیدا کند، مگر اینکه یک نیروی مسلمان، ابتکار آن را برعهده بگیرد. در سراسر خاورمیانه و کشورهای مسلمان، این تنها نمونه‌یی است که یک جنبش مقاومت مسلمان توانسته است از اصل جدایی دین و دولت دفاع کند و برای برقراری دموکراسی راه باز کند.

در دفاع از این اصل، ما به‌رویارویی با دین اجباری و اجباردینی برخاسته‌ایم. آیا این اصل به‌معنای تقلیل دادن یا تجدید نظر کردن در معتقدات اصیل اسلامی است؟ نه، به‌عکس، منظور پافشاری بر روح حقیقی اسلام است که به‌قول مسعود رجوی رهبر این مقاومت، «مستغنی از آن است که هرگونه حقانیت و مشروعیت و ازجمله مشروعیت سیاسی خود را از راه اجبار و اکراه به‌کرسی بنشانند... ما عمیقاً معتقدیم که شکوفایی واقعی اسلام در عدم استفاده از هرگونه تبعیض و امتیاز و اجبار سیاسی واجتماعی میسر است».

منشا مشروعیت قدرت حاکم صندوقهای رای است و

هیچ‌کس به‌خاطر اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک دین هیچ امتیاز

یا محرومیتی نخواهد داشت. کما این‌که در برگیرنده تضمین

آزادی مذهبی است یعنی چه مسلمانان چه پیروان سایر

ادیان، به‌دور از هرگونه نابرابری، در فعالیت مذهبی خود آزادند

آیا منظور از جدایی دین و دولت این است که در جامعه آزاد شده از دیکتاتوری، هیچ فرد یا گروهی نباید به نام اسلام فعالیت کند؟ خیر منظور اینست که هم‌چنان که در طرح شورای ملی مقاومت آمده است منشا مشروعیت قدرت حاکم صندوق‌های رای است و هیچ‌کس به خاطر اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک دین هیچ امتیاز یا محرومیتی نخواهد داشت. کما این که در برگیرنده تضمین آزادی مذهبی است یعنی چه مسلمانان چه پیروان سایر ادیان، به دور از هرگونه نابرابری، در فعالیت مذهبی خود آزادند. پیامبر اسلام در منشوری که در سال یازدهم هجری در مدینه تدوین کرد، گفت: «یهود با مسلمانان مانند یک ملت و امت هستند، (با این تفاوت) که یهود پیرو دین خود و مسلمانان هم تابع دین خود».

آنچه ما می‌گوییم خط بطلان کشیدن بر استبداد زیر پرده است. حرف ما چکیده یک تجربه بزرگ تاریخی یعنی تجربه شکست دیکتاتوری دینی در ایران است. ما بر آنیم که بنیاد تفرقه‌افکنی به نام شیعه یا به نام سنی را براندازیم. سوءاستفاده از مذهب برای منافع قدرت‌پرستانه دیگر نباید ادامه پیدا کند.

(مقاله حقیقت اسلام نوشته مریم رجوی - تیر ۱۳۹۵)

... به‌عنوان یک زن مسلمان ضمن تأکید بر لزوم جدایی دین و دولت و از جانب نسلی که پنج دهه است، به‌دفاع از اسلام اصیل محمدی در برابر ارتجاع و بنیادگرایی برخاسته، اعلام می‌کنم:

۱- ما دین اجباری و اجبار دینی را رد می‌کنیم، حکومت استبدادی تحت نام اسلام، احکام شریعت ارتجاعی و تکفیر مخالفان، چه به نام شیعه و چه به نام سنی، ضد اسلام و ضد آیین‌های بخش محمدی است.

۲- از نظر ما گوهر اسلام، آزادی است؛ آزادی از هرگونه جبر و ستم و بهره‌کشی.

۳- ما از اسلام حقیقی، یعنی اسلام بردبار و دموکراتیک پیروی می‌کنیم؛ اسلام مدافع حاکمیت مردم، اسلام مدافع برابری زن و مرد.

۴- ما تبعیض دینی را مردود می‌شماریم و از حقوق پیروان همه ادیان و مذاهب دفاع می‌کنیم.

۵- اسلام ما برادری همه مذاهب است. جنگ مذهبی و تفرقه افکنی میان شیعه و سنی، ارمغان شوم ولایت فقیه برای استمرار خلافت ضد اسلامی و ضد انسانی است. آری، خدای ما خدای آزادی است، محمد ما پیامبر رحمت و رهایی است و اسلام ما دین انتخاب آزادانه است.

(اسخنرانی در کنفرانس اسلام دموکراتیک و بردبار علیه ارتجاع و بنیادگرایی، پاریس-۱۲ تیر ۱۳۹۴)

آزادی‌ها و حقوق برابر زنان

ما به برابری کامل زنان و مردان در کلیه حقوق سیاسی، اجتماعی و مشارکت برابر زنان در رهبری سیاسی، معتقدیم و هر گونه آشکال تبعیض علیه زنان، ملغی خواهد شد و آنان از حق انتخاب آزادانه پوشش، ازدواج، طلاق، تحصیل و اشتغال، برخوردار خواهند بود.

ماده ۵ از طرح ده ماده‌یی برای ایران فردا

اجازه بدهید یکبار دیگر حقوق زنان را که ما برای ایران آزاد فردا به رسمیت شناخته‌ایم در چهارده ماده یادآور شوم:

۱ - حقوق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان کاملاً مساوی با مردان خواهد بود.

۲ - زنان از حق فعالیت سیاسی و اجتماعی آزادانه، رفت و آمد و مسافرت بدون اجازه دیگری برخوردار خواهند بود.

۳ - تشکلهای زنان به رسمیت شناخته می‌شود و سازمان‌یابی داوطلبانه آنان در سراسر کشور حمایت خواهد شد.

۴ - به منظور رفع نابرابری و ستم مضاعف برای زنان، امتیازهای ویژه در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اداری و فرهنگی در نظر گرفته خواهد شد.

۵ - زنان از حق انتخاب‌کردن و انتخاب شدن در تمامی گزینش‌ها و انتخابات و شرکت در همه‌پرسی‌ها برخوردار خواهند بود.

۶ - زنان از حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل و حق تصدی هر مقام و منصب و شغل عمومی دولتی و قضاوت در تمام مراجع دادرسی برخوردار خواهند بود.

۷ - تبعیض بین زن و مرد در استخدام و به هنگام اشتغال ممنوع خواهد بود. زنان و مردان برای کار مساوی مزد مساوی دریافت خواهند کرد و

به‌طور یکسان از حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی، دریافت حق اولاد و تأهل و بیمه بیکاری برخوردار خواهند شد.

۸- زنان از کلیه امکانات آموزشی، تحصیلی، ورزشی، و هنری بدون تبعیض استفاده خواهند کرد و از حق شرکت در تمام مسابقات ورزشی و فعالیت‌های هنری برخوردار خواهند بود.

۹- زنان در انتخاب لباس، و پوشش خود کاملاً آزاد خواهند بود.

۱۰- زنان در گزینش همسر، ازدواج و طلاق کاملاً آزاد خواهند بود و حقوق برابر با مردان خواهند داشت.

۱۱- نابرابریهای حقوقی در زمینه‌های شهادت، ارث، ولایت و سرپرستی اطفال رفع خواهد شد و زنان به هنگام بارداری و زایمان و نگهداری اطفال حقوق و تسهیلات ویژه‌ای خواهند داشت. زنان بیوه و مطلقه و اطفال تحت سرپرستی آنها توسط نظام اجتماعی کشور مورد حمایت قرار خواهند گرفت.

۱۲- هرگونه بهره‌کشی جنسی از زن تحت هر عنوان ممنوع خواهد بود و از هرگونه اجبار و تحمیل به زن در زندگی خانوادگی و همچنین از ازدواج قبل از رسیدن به سن قانونی ممانعت می‌شود.

۱۳- تعدد زوجات ممنوع است.

۱۴- از به‌کارگماردن دختر بچه‌ها قبل از رسیدن به سن قانونی ممانعت خواهد شد و برای آنان امتیازات ویژه در زمینه آموزشی در نظر گرفته خواهد شد.

(سخنرانی در سالن ارلز کورت لندن - تیرماه ۱۳۷۵)

طرح آزادی و برابری زنان در ایران فردا

روز ۴ اسفند ۱۳۸۸ (۲۳ فوریه ۲۰۱۰) در اجلاسی با عنوان «زنان، پیشتاز تغییر دموکراتیک در ایران»، در بروکسل، مریم رجوی نقطه نظرها و دیدگاه خود درباره آزادی و برابری زنان در ایران فردا را ارائه نمود. متنی که در زیر می‌خوانید به صورت مکتوب در اختیار نمایندگان و حاضران در اجلاس قرار گرفت.

۱- آزادی‌ها و حقوق اساسی

- زنان باید به‌طور برابر حق برخورداری و حفظ همه حقوق و آزادی‌های اساسی را داشته باشند.

- زنان از هر قومیت، مذهب و طبقه اجتماعی، در هر سنی که هستند و در هر کجا سکونت دارند - شهر یا روستا - باید از حقوق برابر با مردان در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی برخوردار باشند. تبعیض (۱) نسبت به زنان در تمام اشکال آن باید محو شود (۲)

- زنان در انتخاب محل سکونت، نوع شغل و تحصیل آزادند و از حق انتخاب آزادانه همسر، حق انتخاب پوشش، حق مسافرت آزادانه، حق خروج از کشور، حق کسب تابعیت، حق تفویض تابعیت به فرزند، حق طلاق، حق حضانت و حق ولایت بر فرزند برخوردارند. (۳)

- اعتقاد به دین و مذهب و عقیده معینی نباید موجب تحقیر هیچ زنی یا منع آن‌ها از دسترسی به فرصت‌های شغلی، امکانات آموزشی یا دادخواهی شود.

۲- برابری در مقابل قانون

- زنان باید به‌طور برابر با مردان از حمایت قانون برخوردار باشند.
- در مقابل خشونت، تجاوز، تبعیض و نقض آزادی، زنان باید به راه‌کارهای قضایی مطمئن دسترسی داشته باشند.

- زنان باید از حق برابر با مردان در دادخواهی برخوردار باشند.
- دادگاه‌ها باید اعتبار شهادت و سوگند زنان با مردان را برابر محسوب کنند.
(۴)

- سن قانونی برای دختران ۱۸ سال تمام خواهد بود. دختران تا قبل از این سن مسئولیت جزایی ندارند.

**زنان از هر قومیت، مذهب و طبقه اجتماعی، در هر
سنی که هستند و در هر کجا سکونت دارند - شهر
یا روستا - باید از حقوق برابر با مردان در همه
زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی برخوردار
باشند. تبعیض نسبت به زنان در تمام اشکال آن
باید محو شود.**

۳- آزادی انتخاب پوشش

- زنان در انتخاب پوشش خود آزادند.
- قانون حجاب اجباری لغو می‌شود. (۵)
- مقرراتی که رعایت نکردن حجاب را مستوجب مجازات‌های اداری برای
کارگران یا کارمندان زن دانسته، لغو می‌شود. (۶)
- قوانین نوشته‌شده یا نانوشته برای کنترل پوشاک و رفتار زنان تحت عنوان
«بدحجابی» که حق آزادی و امنیت زن ایرانی را نقض کرده، در ایران فردا
جایی ندارد.

۴- مشارکت برابر در رهبری سیاسی

- زنان باید از «حق شرکت در تعیین سیاست‌های حکومت و اجرای آن‌ها
و به‌عهده داشتن پست‌های دولتی و انجام وظائف عمومی در تمام سطوح
حکومتی» (۷) برخوردار باشند.

- به‌طور خاص زنان باید حق مشارکت برابر در رهبری سیاسی جامعه را داشته باشند. (۸)

- من پیشنهاد خواهم کرد در راستای رفع نابرابری، دولت نیمی از اعضای کابینه خود را از میان زنان انتخاب کند. من هم‌چنین پیشنهاد می‌کنم احزاب سیاسی حداقل نیمی از کاندیداهای خود برای شرکت در انتخابات پارلمان را از زنان انتخاب کنند.

- هر قانونی که منع و محدودیتی برای تصدی زنان در پستهای مدیریتی و مشاغل عالی‌رتبه قضایی و حقوقی قائل باشد، فسخ می‌شود.

۵- برابری اقتصادی

- زنان باید دارای سهم مساوی با مردان در برخورداری از ارث باشند (۹)
- در بازار کار، زنان باید از فرصت‌های برابر با مردان برخوردار باشند (۱۰) و در انعقاد قرارداد و اداره اموال از حقوق مساوی برخوردار باشند.

- در ازاء کار مساوی، زنان باید از دستمزد و مزایای مساوی با مردان برخوردار باشند. هم‌چنین امنیت شغلی و مزایای یکسان با مردان داشته باشند.
- در دسترسی به مسکن، تغذیه مناسب، خدمات بهداشتی، تحصیل و فعالیت ورزشی و هنری، زنان باید از فرصت‌های مساوی با مردان برخوردار باشند.

**قوانین نوشته‌شده یا نانوشته برای کنترل پوشاک و رفتار زنان
تحت عنوان «بدحجابی» که حق آزادی و امنیت زن ایرانی را
نقض کرده، در ایران فردا جایی ندارد**

۶- برابری در خانواده

- زنان باید از حقوق یکسان و آزادی برای انتخاب همسر، ازدواج و طلاق برخوردار باشند.

- چند همسری ممنوع است.

- ازدواج قبل از رسیدن به سن قانونی ممنوع است. در زندگی خانوادگی

- هرگونه اجبار و تحمیل به زن ممنوع است. (۱۱)
- مسئولیت‌های خانوادگی هم‌چون خانه‌داری و نگهداری از کودکان، فعالیت شغلی و آموزش کودکان مسئولیت مشترک و برابر زن و مرد است.
- زنان باید از حق حضانت فرزندان خود برخوردار باشند. (۱۲)
- از به کارگماردن دختر بچه‌ها قبل از رسیدن به سن قانونی ممانعت خواهد شد و برای آنان امتیازات ویژه در زمینه آموزشی در نظر گرفته خواهد شد.
- تفتیش و دخالت حکومت در زندگی خصوصی زنان ممنوع است.

۷- منع خشونت

- اشکال مختلف خشونت (۱۳) نسبت به زنان، اقدام‌های تهدیدآمیز یا محروم کردن اجباری آنان از آزادی‌هایشان جرم محسوب می‌شود.

۸- منع بهره‌کشی جنسی

- تجارت جنسی ممنوع است.
- قاچاق زنان و واداشتن آنان به تن فروشی جنایت است و عوامل آن تحت تعقیب قرار می‌گیرند. (۱۴)
- کسانی که مرتکب جرایم جنسی نسبت به کودکان شوند، باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.
- منع هرگونه بهره‌کشی جنسی از زنان، تحت هر عنوان و الغای کلیه رسوم و قوانین و مقرراتی که بر طبق آن پدر و مادر، ولی، قیم یا هر فرد دیگری دختر یا زنی را، به‌عنوان ازدواج یا هر عنوان دیگر، برای تمتع جنسی یا بهره‌کشی به دیگران واگذار می‌کنند. (۱۵)

۹- لغو قوانین شریعت آخوندی

- احکام شریعت آخوندی در قوانین ایران فردا جایی نخواهد داشت.
- کلیه مقررات کیفری داخلی که باعث به‌وجود آمدن تبعیض علیه زنان می‌باشند، (۱۶) لغو می‌شوند.

- قوانین ننگین و موحشی نظیر سنگسار بر خواهد افتاد. (۱۷)
- کلیه قوانینی که جنایت علیه زنان را به بهانه‌های ناموسی مجاز شناخته، لغو می‌شود. (۱۸)

- زنان باید از حقوق یکسان و آزادی برای انتخاب همسر، ازدواج و طلاق برخوردار باشند.
- چند همسری ممنوع است.
- ازدواج قبل از رسیدن به سن قانونی ممنوع است. در زندگی خانوادگی هرگونه اجبار و تحمیل به زن ممنوع است.

۱۰- تسهیلات اجتماعی

- زنان باید از تأمین اجتماعی به‌ویژه در موارد بازنشستگی، بیکاری، بیماری، دوران پیری و سایر اشکال کارافتادگی و همچنین حق مرخصی استحقاقی در زمان بارداری و زایمان و حق برخورداری از تغذیه و خدمات رایگان در این دوران برخوردار باشند.

- دولت برای تأمین مهد کودک و شیرخوارگاه مورد نیاز برای نگهداری فرزندان زنان شاغل برنامه‌ریزی کند و همه زنان شاغل به مهد کودک و شیرخوارگاه برای نگهداری فرزندان‌شان دسترسی داشته باشند.

- زنان متعلق به گروه‌های اقلیت، پناهنده و مهاجر، زنان ساکن مناطق روستایی یا دورافتاده، زنان بینوا، زنانی زندانی، دختر بچه‌ها، زنان معلول، ناتوان یا کهن سال باید از حمایت‌های مالی، آموزشی و بهداشتی ویژه دولت برخوردار شوند.

- محروم کردن زنان استخدام شده بر اساس قراردادهای موقت، از تأمین اجتماعی ممنوع است.

- اخراج زنان یا کاهش دستمزد آنان به‌خاطر بارداری یا زایمان یا سپردن مشاغل زیان‌آور به آن‌ها در این دوران ممنوع است.

- حمایت از زنان سرپرست خانوار یک وظیفه ضروری برای دولت است. (۱۹)

پانویس:

۱ - «کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان»، ماده اول: «عبارت تبعیض علیه زنان، به معنی هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت قائل شدن بر اساس جنسیت است که نتیجه یا به منظور خدشه دار کردن یا بی اثر نمودن رسمیت، شناسایی یا بهره‌مندی از اعمالی است که به‌وسیله زنان انجام می‌گیرد. صرفنظر از وضعیت تأهل آنها و بر مبنای برابری حقوق انسانی مردان و زنان و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر».

۲ - قانون اساسی ولایت فقیه تساوای زنان و مردان را با قید «رعایت موازین اسلامی» مشروط کرده است.

طبق اصل ۲۰ «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، حقوق یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». و طبق اصل ۲۱: «دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید».

از آنجا که ملایان حاکم، یک برداشت ارتجاعی از اسلام دارند که در واقع دین زن‌ستیزی است، دیدگاه‌ها و قوانین آنها بر پایه تبعیض و سرکوب زنان است.

۳- قانون مدنی در رژیم ملایان، به صراحت، حقوق زنان را در این موارد انکار کرده است. از جمله: ماده ۱۱۱۷: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند».

ماده ۱۱۳۳: «مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد».

ماده ۱۱۱۴: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکنی گزیند. مگر آن که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد».

۴- طبق قوانین رژیم، در برابر محاکم قضایی ارزش شهادت زن، نصف ارزش شهادت مرد است.

۵- ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۹۹۶): «هرکس علناً در انظار عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل

دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

تبصره: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

۶- در قانون «رسیدگی به تخلفات اداری»، ماده ۸، بند ۲۰ (مصوب ۱۹۹۳) رعایت نکردن حجاب از سوی زنان در زمره «تخلفات اداری» محسوب شده است. این تخلف مجازات‌هایی مانند توبیخ کتبی و در مواردی اخراج را در پی دارد.

۷- کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان.

۸- طبق قوانین رژیم زنان نمی‌توانند رئیس جمهور یا قاضی شوند:

- قانون اساسی ملایان در اصل ۱۱۵ خود تصدی ریاست جمهوری را تنها حق «رجال مذهبی و سیاسی» دانسته است.

- اصل ۱۶۳ قانون اساسی شرایط قاضی شدن را به «موزین فقهی ملایان» منوط کرده است: «صفات و شرایط قاضی طبق موزین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود».

در «قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری» (مصوب ۱۳۶۱) آمده است: «قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شود: ۱- ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موزین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران ...»

در سال ۱۳۶۴ با اصلاحاتی در قانون فوق، زنان توانستند در پست‌های مشاورت و قاضی تحقیق در مراجع قضایی حضور یابند. اما از حق انشای رأی محروم‌اند.

۹- توارث در حقوق ایران تحت حاکمیت ملایان، بر این مبناست که سهم‌الارث زنان نصف سهم‌الارث مردان است. این نسبت در تمام مواد قانون مدنی ناظر بر ارث حاکم است.

۱۰- در بازار کار ایران سهم زنان فقط ۱۲ درصد است.

۱۱- در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی رژیم «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری» ذکر شده. این تبصره با توجه به ماده ۱۰۴۱ همین قانون

که «نکاح قبل از بلوغ» را ممنوع کرده، تحمیل ازدواج به دختر بچه‌های کمتر از ۹ ساله را مجاز می‌کند.

۱۲- به موجب ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، وقتی زن و شوهر از یکدیگر جدا می‌شوند، «برای نگاهداری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این مدت، حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم حضانت آن با مادر خواهد بود».

۱۳- «تعبر خشونت علیه زنان باید شامل موارد زیر، اما نه محدود به این موارد، باشد: (آ) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده اتفاق می‌افتد، از جمله کتک‌زدن، آزار جنسی دختر بچه‌ها در خانه، خشونت مربوط به جهیزیه، تجاوز توسط شوهر، ختنه زنان و دیگر رسوم عملی که به زنان آسیب می‌رساند، خشونت در رابطه بدون ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان.

(ب) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در جامعه عمومی اتفاق می‌افتد، از جمله تجاوز، سوءاستفاده جنسی، آزار جنسی و ارعاب در محیط کار، در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و تن‌فروشی اجباری، (پ) خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی، که توسط دولت انجام شود یا نادیده گرفته شود» (ماده ۲، اعلامیه حذف خشونت علیه زنان)

۱۴- بخشی از گزارش سال ۲۰۰۹ وزارت امور خارجه ایالات متحده درباره قاچاق انسان (TIP)، ۲ ژوئیه ۲۰۰۹:

«ایران مبدأ، مسیر عبور، و مقصد قاچاق مردان، زنان و کودکان با اهداف سوء استفاده جنسی و بردگی اجباری است. زنان ایرانی برای گماشته شدن به تن‌فروشی اجباری و ازدواج تحمیلی در داخل کشور قاچاق می‌شوند. کودکان ایرانی و افغانی ساکن ایران برای ازدواج اجباری، بهره‌برداری جنسی تجاری و کار اجباری به عنوان متکدی یا کارگر - برای پرداخت بدهی، تأمین درآمد یا تأمین هزینه اعتیاد خانواده‌ها - در داخل کشور قاچاق می‌شوند. زنان و دختران ایرانی هم‌چنین به منظور بهره‌برداری جنسی تجاری به کشورهای پاکستان، ترکیه، قطر، کویت، امارات متحده عربی، عراق، فرانسه، آلمان و بریتانیا قاچاق می‌شوند.

... صیغه، یا ازدواج موقت به مدت معلوم، طبق قانون مجاز است. برخی از افراد با

سوءاستفاده از این نهاد، زنان را اجباراً مورد بهره‌برداری جنسی قرار می‌دهند. گفته می‌شود که زنان ایرانی برای ازدواج موقت به مردان در پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس فروخته شده و وادار به تن‌فروشی می‌شوند. دسترسی به عدالت برای زنانی که مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند، بسیار دشوار است. اول، چون شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد است و دوم، چون زنان قربانی سوء استفاده جنسی در معرض خطر اعدام به جرم زنا - روابط جنسی خارج چهارچوب ازدواج - قرار دارند... گفته می‌شود که دولت، قربانیان را به خاطر اعمال نامشروعی که در نتیجه مستقیم قاچاق شدن مرتکب می‌شوند، از جمله زنا و فحشا، مورد مجازات قرار می‌دهد. بنا بر گزارش‌های رسیده، دولت، قربانیان متعددی را به اتهام فحشا یا زنا دستگیر، محاکمه و مجازات کرده است».

۱۵- طرح شورای ملی مقاومت درباره آزادیها و حقوق زنان، مصوب سال ۱۳۶۶

۱۶- کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

۱۷- مواد ۱۰۲ تا ۱۰۵ قانون جزایی کنونی آخوندها(قانون مجازات اسلامی) درباره سنگسار:

ماده ۱۰۲ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند، آنگاه رجم می‌نمایند.

ماده ۱۰۳ - هرگاه کسی که محکوم به رجم است، از گودالی که در آن قرار گرفته، فرار کند در صورتی که زنا یا او به شهادت ثابت شده باشد، برای اجرای حد برگردانده می‌شود. اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی‌شود.

ماده ۱۰۴ - بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد، شخص کشته شود. هم‌چنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ی بی باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند.

۱۸- موادی از قانون جزایی رژیم (قانون مجازات اسلامی): ماده ۲۲۰ - پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲۶ - قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن

نباشد و اگر مستحق قتل باشد، قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند.

۱۹ - زنان سرپرست خانوار، به زنانی اطلاق می‌شود که خود نان‌آور خانواده‌ی هستند که گاه مادر و پدری پیر و یا چند فرزند را در بر می‌گیرد. این زنان یا شوهر خود را از دست داده، یا طلاق گرفته‌اند یا دارای شوهری متواری، معتاد، زندانی، بیکار، مهاجر یا از کارافتاده‌اند. این خانوارها از فقیرترین اقشار مردم ایران‌اند.

مشارکت فعال و برابر زنان در رهبری سیاسی

تجربه ما (در درون جنبش مقاومت) این است که شکستن طلسم نابرابری، بدون یک جهش، ممکن نیست و باید مواضع مسئول رهبری کننده را بدون هیچ نگرانی به ذیصلاح‌ترین زنان سپرد.

هژمونی زنان در این مقاومت، به‌مثابه یک تحول ساختارشکن برای زنان، راه مسئولیت‌پذیری را در همه زمینه‌ها باز کرد. بر اثر این کارزار، آن‌ها موفق به کسب ارزش‌های نوین شدند و بر فرهنگ کهنه و ارتجاعی غلبه کردند.

در اولین قدم، آن‌ها به خود و توانمندی‌های خود باور کردند. و هنگامی که دریافتند که نقش مسئولانه آنان چقدر در پیشبرد مبارزه با استبداد مذهبی ضروری است، از دنیای غیرمسئول و کنش‌پذیر و از دنیای زنی که تنها به اتکاء دیگری اعتبار می‌یابد، به دنیای زنان مسئول که هدایت یک مبارزه را با همه پیامدهای آن به‌دست می‌گیرند، قدم گذاشتند.

آن‌ها ضارزش‌هایی مانند، حسادت، قیاس، اصالت‌دادن به ویژگی‌های فیزیکی، مثل شکل و قیافه، و جوانی و پیری را که همه شما خوب می‌دانید که خوره انرژی‌های زنان است، از خود دور کردند. آن‌ها هم‌چنین توانستند تزلزل و شکنندگی را تبدیل به صلابت و استحکام کنند. آن‌ها ترس از شکست، و ضعف نشان‌دادن در مقابل هجوم سختی‌ها را از خود دور کرده‌اند و به‌جای فروریختن، آموختند که قدرت غلبه بر شکست را در خود بپروارند. آن‌ها یاد گرفتند که به‌جای ناامیدی، همواره امیدوار و سخت‌کوش، به‌سمت پیروزی راه باز کنند.

در جنبش ما رابطه زنان به‌گونه‌یی تغییر کرده که مانند خواهران تنی در کنار یکدیگر کار می‌کنند، همدیگر را می‌شنوند و پشتیبان یکدیگرند و سخت‌ترین مسئولیت‌ها را این‌چنین باهم پیش می‌برند.

آن‌ها رقابت منفی بین زنان را کنار زده‌اند؛ به نحوی که ارتقای هر زن، عامل تشویق و انگیزش سایر زنان است، تلاش جمعی برای ارتقای مسئولیت سایر زنان، یک ارزش است و همه زنان می‌توانند این ارزش‌ها را کسب کنند.

آن‌ها به این باور رسیده‌اند که با پشتیبانی و همکاری با سایر زنان، خودشان توانمندتر می‌شوند. و در این مسیر قدرت بالایی برای ایثار کردن نسبت به سایر خواهران‌شان کسب کرده‌اند. به همین دلیل است که توانسته‌اند اشرف را در سخت‌ترین و بغرنج‌ترین نبردهای ده سال گذشته، رهبری کنند...

برای بنای ایران آزاد فردا نیز باید به‌همین دیدگاه، مجهز بود؛ تا با آن بتوان نهادهای دموکراسی را در جامعه فردا تأسیس کرد. یعنی مقاومت ما این رسالت را نیز بر دوش دارد که سازنده و تأسیس‌کننده باشد.

اگر دموکراسی بر برابری زن و مرد، مشارکت برابر همگان، انتخاب آزادانه آحاد جامعه و بیان آزاد و بی‌قید و شرط بنان شود، به‌سرعت به انحراف و ارتجاع کشیده می‌شود.

امر برابری در درون جنبش ما، نوید الهام‌بخشی برای جامعه ایران، به‌خصوص برای زنان و جوانان است. وقتی که جنسیت‌گرایی را هدف قرار می‌دهید، دارید سنگ بنای ولایت‌فقیه را درهم می‌شکنید. و وقتی که زن‌ستیزی آخوندها را نشانه می‌روید، قلب ایدئولوژی آن‌ها را نشانه رفته‌اید.

در این صورت، دیگر نه فقه و شریعت آخوندی، و نه قوانین و فرهنگ ارتجاعی آن‌ها، تکیه‌گاهی پیدا نمی‌کند. این توضیح، نشان می‌دهد که چرا آخوندها بی‌وقفه، گسترده و با دجالیت تمام، مجاهدین را هدف قرار می‌دهند.

نخستین جرم مجاهدین از نظر آن‌ها، تعهد به آرمانشان برای تغییر رژیم در ایران است. اما علاوه بر این، در شریعت آخوندها، مجاهدین و مقاومت ایران، گناه کبیره مرتکب شده‌اند. زیرا این مقاومت معتقد است که زن ایرانی شایستگی آن را دارد و باید سکان رهبری را در ایران دموکراتیک فردا به‌دست بگیرد. زیرا این جنبشی است که به کلی با ایدئولوژی و رفتار رژیم دیکتاتوری مذهبی، سرستیز دارد و به‌پاخاسته تا کاخ ستم و نابرابری را از اساس واژگون سازد.

(سخنرانی در کنفرانس روز جهانی زن - ۱۹ اسفند ۱۳۹۱)

علیه حجاب اجباری

یک عرصه فراگیر در اعمال خشونت و اجبار در ایران، حجاب اجباری است. زنان ایران از نخستین هفته‌های حاکمیت خمینی به حجاب اجباری اعتراض کردند. در همان روزها زنان مجاهد نیز فعالانه در تظاهرات علیه حجاب اجباری شرکت داشتند....

سلسله‌یی از قوانین وضع شده که آزادی فردی و اجتماعی را از زن ایرانی سلب می‌کند. چند نهاد ویژه سرکوب تأسیس کرده‌اند که کارشان مقابله با بدحجابی است... در واقع، آن‌ها، ایران را به زندان بزرگ زنان تبدیل کرده‌اند. به‌همین دلیل ما می‌گوییم: زن ایرانی باید آزاد باشد! باید خودش انتخاب کند که چه عقیده‌یی داشته باشد، چه بپوشد، و چگونه زندگی کند. و تکرار می‌کنیم که نه به حجاب اجباری، نه به دین اجباری و نه به حکومت اجباری. (سخنرانی در کنفرانس «زنان متحد علیه بنیادگرایی»، پاریس

۸ اسفند ۱۳۹۴)

زن ستیزی محور سرکوب علیه تمام جامعه است و بقای استبداد آخوندی به آن مشروط است. علت زن‌ستیزی این رژیم، تعصب کور مذهبی یا تلاش برای حفظ عفاف جامعه یا کیان خانواده نیست. در دوران آخوندها، جامعه ایران شاهد فرو ریختن ارزش‌ها و هم‌چنین گسترش فحشا بوده است. زن‌ستیزی به بهانه دین، به این دلیل سیستماتیک و مستمر شده که اهرمی برای سلطه انحصاری ولایت فقیه است. ده‌ها نهاد سرکوبگر رژیم برمحور زن‌ستیزی می‌چرخد.

این، دستاویز و توجیه‌گر عملیات کنترل دائمی مردم در خیابان‌ها، و موضوع کار گشت‌های سرکوبگر خیابانی و نهادهایی مانند «اداره مبارزه با منکرات» یا «پلیس امنیت اخلاقی» و ۲۰ نوع پلیس دیگر شده است. کما این که مقابله با زنان به بهانه بدحجابی، از مؤثرترین حرب‌ها برای ایجاد خفقان توسط رژیم

در جامعه و خاموش کردن هر صدای اعتراضی است....
به بندکشیدن زنان با تشبیت به بهانه‌های به اصطلاح مذهب، هر مرز و محدودیتی را برای آخوندها از بین برده است. یعنی بدین وسیله، آن‌ها دست خود را برای دخالت و کنترل، در همه جا بازتر می‌بینند. از جمله در محیط‌های آموزشی و اداری و تولیدی، در گزینش کارمندان یا اخراج آن‌ها، در کنترل دائمی رفت‌وآمد زنان و جوانان در خیابان‌ها، در ورود خودسرانه به خانه‌های مردم، در سانسور کتاب و فیلم و تئاتر و موزیک، در فیلترینگ سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی و در پرونده‌سازی‌های قضایی یا حمله به میهمانی‌ها.

به همین خاطر است که در رژیم آخوندها تحمیل و کنترل حجاب، این همه در سیاست‌ها و قوانین رژیم اهمیت یافته و آشکارا بی‌حجاب را مترادف ضدانقلاب معرفی می‌کنند.

به همین خاطر است که هرگاه رژیم دچار یک شکست سیاسی و بین‌المللی می‌شود یا هرگاه با قیام‌ها و شورش‌های اجتماعی مواجه می‌شود، از یک طرف تعداد اعدام‌ها را بالا می‌برد و از طرف دیگر عملیات مبارزه با بدحجابی را شدت و گسترش می‌دهد....

آخوندهای حاکم می‌دانند که اگر از حجاب اجباری یا هر یک از قوانین و سیاست‌های خود علیه زنان دست بردارند، نیروی زنان به سرعت پیشروی می‌کند و تمام جامعه را به حرکت در می‌آورند.

(سخنرانی در روز جهانی زن، پاریس - ۱۸ اسفند ۱۳۹۴)

**زن ایرانی باید آزاد باشد! باید خودش انتخاب کند
که چه عقیده‌یی داشته باشد، چه بپوشد، و چگونه زندگی
کند و تکرار می‌کنیم که نه به حجاب اجباری، نه به دین
اجباری و نه به حکومت اجباری.**

احترام به حقوق بشر

ایران فردا کشور احترام به حقوق بشر است. ما متعهد به «بیانیه جهانی حقوق بشر» و میثاق ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله: «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «کنوانسیون علیه شکنجه» و «کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» می‌باشیم.

ماده هفتم از طرح ده ماده یی برای ایران فردا

از سخنرانی مریم رجوی در پارلمان اروپا به مناسبت روز جهانی حقوق بشر -
۱۶ آذر ۱۳۸۵، ۷ دسامبر ۲۰۰۶:

دهم دسامبر، سالگرد انتشار میثاق جهانی حقوق بشر است. برای کشور من ایران، این روز، زخم هولناکی بر جان و روان یک ملت را یادآوری می‌کند با اعدام ۱۲۰ هزار مخالف، با صدها هزار زندانی سیاسی که در این سال‌ها شکنجه شده‌اند. با حداقل پنج هزار زندانی در صف مرگ و زندانی بودن فعالین حقوق بشر و پیروان ادیان مختلف و با نقض سیستماتیک حقوق زندان و تبدیل نیمی از جمعیت کشور به شهروندان درجه دوم.

تحت حکومت ملایان حقوق بشر جایی ندارد. متأسفانه تا آنجا که به جامعه جهانی و اتحادیه اروپا مربوط است، حقوق بشر ایران، قربانی دیپلماسی تجارت است.

تحت حاکمیت این رژیم، تمامی بندهای میثاق جهانی حقوق بشر پایمال شده است. از حق حیات و حق آزادی و امنیت تا حق مصونیت از شکنجه و دستگیری خودسرانه تا آزادی عقیده و مذهب. فجیع‌ترین برگ پرونده جنایت‌های این رژیم، قتل عام سی هزار زندانی سیاسی ظرف فقط چند ماه در سال ۱۳۶۷ است. این نسل‌کشی بر اساس حکم مکتوب خمینی صورت گرفت و مهم‌ترین عاملان آن هم‌اکنون، در زمره سران و مقام‌های ارشد همین رژیم‌اند..

بیانیه مریم رجوی

در آغاز هفتادمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر

این بیانیه روز ۱۵ آذر ۹۶ (۶ دسامبر ۲۰۱۷)، در آستانه سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد، در کنفرانسی در پارلمان اروپا منتشر شد. این کنفرانس از سوی گروه پارلمانی دوستان ایران آزاد با حضور مریم رجوی برپا شده بود. متن بیانیه از این قرار است:

به مناسبت آغاز هفتادمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، به همه زنان و مردانی که در سراسر جهان در دفاع از «حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان» به مثابه «اساس آزادی، عدالت و صلح» (۱) به مبارزه با مستبدان و سرکوبگران برخاسته‌اند، ادای احترام می‌کنیم و به‌طور خاص به یک صد و بیست هزار مجاهد و مبارز دلیر از جمله سی هزار زندانی سربهداری که در سال ۶۷ در مقاومت در برابر استبداد مذهبی حاکم جان‌های خود را فدا کردند، درود می‌فرستیم.

در تاریخچه سرخ‌فام نبرد برای حقوق بشر ایران، این جمله پروفیسور کاظم رجوی که جان بر سر دفاع از قتل‌عام‌شدگان نهاد، پیوسته می‌درخشد: «ما تاریخ حقوق بشر ایران را با خون خود می‌نویسیم».

اگر برای تمام جهان، روز حقوق بشر روزی است که کسب یک دستاورد عالی تاریخی را یادآوری می‌کند، برای ملت ایران این روز، عید اشک و خون است که یک تاریخچه پر رنج و شکنج را یادآوری می‌کند؛ روز یادآوری تمام اعمال وحشیانه آخوندهای حاکم که «روح بشریت را به‌عصیان وا می‌دارد». در عین حال، این روز تعهد خلل ناپذیر مردم و مقاومت ایران را به مبارزه بی‌امان برای سرنگونی استبداد مذهبی مورد تأکید قرار می‌دهد تا ایران گلستان آزادی و عدالت و سرزمین حقوق بشر شود. جنبش دادخواهی قتل‌عام‌شدگان که در دو سال اخیر رو به‌گسترش نهاد،

از اراده ملت ایران برای دستیابی به آزادی و حقوق بشر جوشیده است. این جنبش، فراتر از خون‌های به‌ناحق ریخته سر به‌داران سال ۶۷، بنیاد رژیم حاکم را هدف قرار داده که بر کشتار و انهدام و نیروی مخالف متکی است. هم از این‌رو، اعتلای این جنبش جلوه دیگری از پایان کار رژیم ولایت فقیه و حتمیت سرنگونی آن است.

با یادآوری شمه‌یی از یورش فاجعه‌بار رژیم ولایت فقیه به تمام شئون حقوق بشر ایران، بر تعهدات مقاومت ایران برای ورق زدن این صفحه تاریک تاریخ ایران پای می‌فشاریم:

۱ - استبداد مذهبی حق حیات مردم ایران را وسیعاً مورد تعرض قرار داده و از روز اول، حاکمیت خود را بر انهدام حقوق بشر مردم ایران استوار کرده است؛ از جنگ با مردم کردستان، اعدام جوانان و قتل‌عام روستاییان کرد، کشتار مردم عرب خوزستان و قتل و اسارت اعضا و هواداران مجاهدین در سراسر کشور؛ به‌نحوی که هنوز ۲۸ ماه از روی کار آمدن خمینی نگذشته بود، مجاهدین هزاران زندانی سیاسی در زندان‌های خمینی داشتند و بیش از پنجاه تن از هواداران کم سن و سال این جنبش حین توزیع نشریه یا اعلامیه بر اثر ضربات چماق و چاقوی پاسداران و عوامل خمینی به‌شهادت رسیدند.

انهدام حقوق بشر پس از آن با تیرباران جمعی اعضای مجاهدین و سایر نیروهای مبارز (بعضاً در هر روز صدها نفر) در دهه ۱۳۶۰ و سپس با قتل‌عام سی هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ ادامه یافت و تا امروز فهرستی طولانی از پرونده‌های حسابرسی نشده حمام‌های خون برجا گذاشته است: از قتل‌های زنجیره‌بی تا مثله‌کردن اسقف‌های مسیحی، کشتار قیام‌کنندگان قزوین در سال ۱۳۷۲، جنایت کهریزک در سال ۸۸، قتل زهرا کاظمی، و کشتارها و قتل‌عام‌ها در اشرف و لیبرتی توسط نیروی قدس و دست‌نشانندگان خامنه‌ای در عراق.

این کشتارها هیچ‌گاه کور و خود به‌خودی یا امری خارج از دستور سران رژیم

نبوده است. احکام هولناک خمینی برای قتل عام مجاهدان زندانی در سال ۶۷، اظهارات یک سال اخیر بالاترین مقام‌های سیاسی و امنیتی و قضایی رژیم در دفاع از همان کشتار، اعتراف‌های بازجویان وزارت اطلاعات در این خصوص که این وزارت بدنام هر سال فهرست مخالفانی را که باید «حذف و ربایش» شوند، تصویب می‌کند (۲) و بسیاری دلائل و شواهد اثبات می‌کند که این کشتارها برنامه‌ریزی شده، نظام‌یافته و یک به یک براساس دستور بالاترین سران رژیم صورت گرفته و می‌گیرد.

۲- شمار اعدام‌های سیاسی ۱۲۰ هزار مورد تخمین زده می‌شود. اما برآورد شمار اعدام‌های عادی غیرممکن است. آخوندهای حاکم به اقتضای نیازهای سیاسی و امنیتی رژیم و برای تنظیم درجه اختناق و ارعاب، بسیاری مجرمان را که بر طبق قوانین خود رژیم جرائم‌شان به حد نصاب اعدام نرسیده و حتی بسیاری زندانیان بی‌گناه را، به طناب‌های دار یا جوخه‌های تیرباران سپرده‌اند. در سال ۹۵ مقام‌های رژیم شمار زندانیانی را که در صف نوبت اعدام قرار دارند، پنج هزار و سیصد نفر اعلام کردند. (۳) اما گزارش‌های به دست آمده از زندان‌های متعدد تأیید می‌کند که شمار زندانیان در صف اعدام چند برابر این رقم است. بخشی از آن‌ها، اتباع کشور همسایه و برادر ما افغانستان‌اند. آخوندها با سوء استفاده از موقعیت همین محکومان، آن‌ها را به اجبار روانه جبهه‌های جنگ علیه مردم سوریه می‌کنند.

اعدام جوانانی که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده‌اند، یکی دیگر از قساوت‌های مستمر رژیمی است که از این پیشتر، عفو بین‌الملل آن را «آخرین جلاد کودکان» (۴) توصیف کرده است.

ورای تعداد بی‌شمار اعدام‌ها، آنچه اهمیت دارد، بی‌بها انگاشتن جان انسان‌ها از سوی آخوندهای حاکم است. جانمایی که در قوه قضاییه این رژیم به «قاضی سالب حیات» مشهورند، براساس دستور ولی فقیه، دسته دسته زندانیان را بدون محاکمه عادلانه اعدام می‌کنند تا رژیم بی‌ثبات و متزلزل، تعادل خود را حفظ کند.

۳- رژیم ولایت فقیه حق مردم ایران برای مشارکت در سرنوشت سیاسی خود و جامعه و کشورشان را از آن‌ها سلب کرده است. مبارزه سیاسی، تشکیل هرگونه اجتماع یا تشکل و انتشار هر نشریه یا وسیله اطلاع‌رسانی غیروابسته به حکومت ممنوع است.

هیچ حزبی نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر این که «در مرامنامه و اساسنامه خود صراحتاً التزام خود را نسبت به قانون اساسی و اصل ولایت مطلقه فقیه اعلام دارد» (۵) و هیچ کس به‌عنوان عضو یک حزب شناخته نمی‌شود مگر به شرط «اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه» (۶). مخالفت با رژیم جرم است و چنانچه کم‌ترین ارتباطی با مجاهدین داشته باشد، مجازات سنگینی در پی دارد. و هیچ‌فرد غیرذوب شده در ولایت فقیه حق تصدی مناصب تصمیم‌گیری در دولت و سایر نهادهای حکومتی را ندارد.

مردم ایران از حق انتخاب آزادانه محروم‌اند؛ در عوض همه ساله شعبده‌های رنگارنگی تحت نام انتخابات برگزار می‌شود که بستر تقسیم بخشی از حوزه قدرت بین باندهای سرکوبگر رقیب است. از شکنجه‌گران شناخته شده و اعضای هیأت‌های مرگ در قتل‌عام ۶۷ تا فرماندهان آدم‌کش سپاه پاسداران، کرسی‌های مجلس ارتجاع یا خیرگان را به‌دست می‌آوردند. در اوائل همین ماه، رئیس‌جمهور قبلی رژیم اعتراف کرد: «امروز یک اقلیت محض، به هر ترتیب ممکن، خود را حق مطلق، مالک و صاحب انحصاری کشور و انقلاب و ارباب مردم و دارای حق قطعی حاکمیت دانسته‌اند» (۷).

۴- رژیم ولایت فقیه حق برخورداری از حاکمیت قانون را از مردم ایران سلب و آن را با یک خودکامگی محض جایگزین کرده است. اصل ۵۷ قانون اساسی ارتجاعی کنونی با افزودن کلمه مطلقه به «ولایت امر»، شخص ولی فقیه را از اختیارات و قدرت نامحدود برخوردار کرده است. (۸) در عمل، تمام قدرت عمومی در ایران از این فرد نشأت می‌گیرد. در حقیقت استفاده

خودسرانه از قدرت - که اصل‌های متعدد قانون اساسی ولایت فقیه برای آن مجوز صادر کرده است - یک اصل دائمی در ایران تحت حاکمیت این رژیم است. به‌طور کلی هر قانونی در ایران کنونی، از آن‌جا که لزوماً باید از تصویب شورای نگهبان منصوب ولی فقیه بگذرد، فی‌نفسه نقض حاکمیت قانون است. تصمیم‌های خودسرانه حاکم مادام‌العمر و همدستان او برضد مصالح ملی و مردمی ایران که لازمه آن، همواره نقض وحشتناک حقوق بشر مردم ایران بوده است، طفره رفتن آخوندهای حاکم از هرگونه پاسخگویی به مردم، باز گذاشتن دست مقام‌های رژیم و وابستگان آن‌ها در ارتکاب انواع غارت‌گری‌ها و مفساد مالی و انواع تجاوزها به حقوق مردم ایران بدون هرگونه پیگرد و عقوبتی، تبدیل قوه قضاییه به تیغ آخته‌یی در دست شخص ولی فقیه که در آن امنیت حقوقی مردم ایران و اصل برائت محلی از اعراب ندارد، تبدیل مجلس به باشگاه اعضای باندهای قدرت حاکم که در آن قانونی جز به‌سود همان «اقلیت محض» تصویب نمی‌شود، تبدیل دولت به «تدارک‌چی» ولایت فقیه و تبدیل نیروهای حافظ امنیت مردم به نهادهای سرکوب و جاسوسی و کشتار، همه و همه حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی را از مردم ایران سلب کرده است.

۵ - استبداد مذهبی، «حق آزادی فکر، وجدان و مذهب» را از مردم ایران سلب کرده است.

این رژیم از آغاز، دست‌اندرکار آزار و دستگیری و حذف دیگراندیشان و پیروان ادیان گوناگون - از مسیحیان و یهودیان و بهاییان تا مسلمانان اهل سنت و دراویش اهل حق و گنابادی و شیعیان مخالف ولایت فقیه - بوده و هست. تفتیش عقاید، روبه‌نهادینه‌گزینش‌های استخدامی و آموزشی است. و تکفیر مذهبی و زدن برچسب ارتداد مهم‌ترین حربه‌های این رژیم برای سرکوب است. نخستین جمله حکم خمینی برای قتل عام مجاهدین در سال ۶۷ این ادعای دروغ است که: «منافقین... به‌هیچ وجه به‌اسلام معتقد نبوده و هرچه می‌گویند از روی حيله و نفاق آن‌هاست و به‌اقرار سران آن‌ها از اسلام

ارتداد پیدا کرده‌اند...»

خمینی و جانشین او، خامنه‌ای، سی هزار مجاهد و مبارز را در سال ۶۷ و بسیاری دیگر را در سراسر حکومت خود با این افتراءات اعدام کردند تا ارتکاب جنایت علیه بشریت را از پشتوانه توجیهات به اصطلاح اسلامی برخوردار سازند. حال آن که صرفنظر از دجالیت و دروغ‌گویی رژیم حاکم در جعل این برچسب‌ها، روح اسلام از این خونریزی‌ها و افتراءات بیزار است.

**مقاومت ایران... بر تعهد خود مبنی بر احیای حقوق بشر
ایران، لغو حکم اعدام پس از سرنگونی رژیم ولایت فقیه
و پایبندی کامل به «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «میثاق
بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «معاهده ضد شکنجه» و
«معاهده حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، و هم‌چنین
ایجاد یک نظام قضایی مدرن، مبتنی بر احترام به اصل برائت،
حق دفاع، حق دادخواهی، حق برخورداری از محاکمه علنی و
استقلال کامل قضات تأکید می‌کند.**

۶ - مردم ایران از حق رجوع مؤثر به دادگاه‌های صالحه (ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر) محروم‌اند. چنین دادگاه‌هایی در ایران وجود خارجی ندارد. به جای آن بی‌دادگاه‌هایی عاری از روند صحیح دادرسی دائر است که تنها تابع اراده حاکمان شرع آخوندی یا شکنجه‌گران و عوامل سرکوب است. اصل ۱۶۷ قانون اساسی ولایت فقیه، سرنوشت متهمان یا شاکیان و حقوق آن‌ها را تابع امیال و خواست شخصی قاضیان دست‌نشانده ولی فقیه کرده (۹) که بر اساس استنباط خود از به اصطلاح «فتاوی معتبر» - نام مستعار «تحریر الوسیله» - خمینی - هر تصمیمی که می‌خواهند بگیرند. بازداشت شدگان از حقوقی برخوردار نیستند. محاکمه‌ها، حتی در موارد حساسی که به حکم اعدام منجر می‌شود، اغلب بیشتر از چند دقیقه نیست. بسیاری از متهمان و کیل ندارند یا ناگزیرند وکیل تحمیلی همان بی‌دادگاه را

بپذیرند که اغلب علیه متهمان ایفای نقش می‌کند. در مواردی که وکلا برای دفاع از موکلان خود تلاش کنند از دست‌یافتن به‌مندرجات پرونده‌ها منع می‌شوند و چنانچه بر خواست خود اصرار کنند تحت تعقیب قرار می‌گیرند و گاه به‌زندان‌های طولانی مدت محکوم می‌شوند.

۷ - قوانین مدنی رژیم، بر پایه تبعیض بین زن و مرد تنظیم شده است. قوانین جزایی رژیم - قانون مجازات اسلامی - از اول تا آخر بر پایه مجازات بدنی، مانند اعدام، شکنجه و شلاق تنظیم شده است. علاوه بر مجازات‌های ضد انسانی از قبیل به صلیب کشیدن، از کوه پرت کردن، قطع دست و پا و... بیش از صد بار مجازات اعدام و قتل و حدود ۵۰ بار مجازات شلاق پیش بینی شده است.

بر حسب یکی از مواد این قانون ضد انسانی، که همه ساله بارها به‌اجرا گذاشته می‌شود، «حد سرقت»... «در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است»... «و در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است». (۱۰) بر حسب یک ماده دیگر، «حد محاربه»، اتهامی که معمولاً برای مجاهدین به‌کار می‌رود، «یکی از چهار مجازات زیر است: الف. اعدام، ب. صلب، پ. قطع دست راست و پای چپ، ت. نفی بلد». (۱۱) در مورد مخالفان سیاسی، این رژیم ۷۴ نوع شکنجه را ابداع کرده و در زندان‌های خود به‌کار برده است. تجاوز به‌زنان زندانی به‌مثابه یک شیوه سیستماتیک شکنجه در زندان‌های این رژیم پیوسته در جریان بوده است. و ممانعت از دسترسی بیماران زندانی به‌درمان و زجر کش کردن تدریجی او به‌منزله یک شیوه اعدام علیه زندانیان سیاسی به‌کار می‌رود.

۸ - رژیم آخوندی حق مردم ایران برای دسترسی آزادانه به‌اطلاعات و افکار و نشر آزادانه آن را از بین برده است.

نشریات و سایت‌های اینترنتی غیر وابسته به حکومت مجاز به‌فعالیت نیستند، هیچ کتابی بدون سانسور قابل انتشار نیست، مکالمات تلفنی مردم تحت

شنود قرار دارد، تلویزیون‌های ماهواره‌یی، به‌صورت سازمان‌یافته‌یی توسط سپاه پاسداران هدف پخش پارازیت قرار می‌گیرند، وبلاگ‌ها، سایت‌ها، ارتباطات ایمیلی، و فعالیت‌ها در شبکه‌های اجتماعی تحت کنترل امنیتی کامل قرار دارد.

یک شبکه پلیس امنیتی به‌نام فتا در تهران و ده‌ها شهر دیگر کشف و تحت پیگرد قرار دادن فعالیت مخالفت‌آمیز علیه رژیم در فضای مجازی را برعهده دارد. این مراقبت‌ها تاکنون به‌دستگیری و تحت شکنجه و آزار قرار دادن بسیاری از جوانان حتی به‌شهادت آن‌ها (مانند ستار بهشتی) منجر شده است.

سپاه پاسداران خامنه‌ای، بسیج ضد مردمی، نیروی انتظامی، وزارت‌خانه‌های ارتباطات، اطلاعات و ارشاد، قوه قضاییه، معاونت رئیس‌جمهور ارتجاع و چندین نهاد دیگر همه دست‌اندرکار فیلترینگ سایت‌ها و کنترل و مراقبت از فعالیت‌ها در شبکه مجازی‌اند. در سال ۹۵ دادستان کل رژیم اقرار کرد که هر هفته ۱۵ الی ۲۰ هزار شبکه و کانال در شبکه اینترنت ایران مسدود می‌شود. (۱۲)

۹ - در حالی که ایران یک کشور کثیرالمله است، رژیم ولایت فقیه حق ملیت‌های ایران - اعم از عرب و ترک و کرد و ترکمن و بلوچ و قشقایی و لر و بختیاری - را برای داشتن حقوق برابر، برخورداری از رفاه و درمان و آموزش و خدمات شهری و روستایی و مسکن مناسب و استفاده از زبان مادری سلب کرده است.

هموطنان عرب با تلاش‌های ضدانسانی آخوندهای حاکم برای ایجاد تغییر در ترکیب قومی مناطق‌شان مواجه شده‌اند و هموطنان بلوچ و کرد، پیوسته از تیراندازی کور پاسداران در مناطق مرزی رنج می‌کشند و بر اثر آن فرزندان‌شان به‌قتل می‌رسند.

۱۰ - زنان ایران که بیش از ۱۵۰ سال برای آزادی و برابری مبارزه کرده‌اند،

تحت حاکمیت ولایت فقیه از حق برابری در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، خانوادگی، آموزشی و قضایی محروم‌اند. تصدی برخی مشاغل، از جمله قضاوت، تحصیل در ده‌ها رشته دانشگاهی، آواز خواندن، حضور در استادیوم‌های ورزشی برای تماشای مسابقات، و فعالیت در برخی رشته‌های ورزشی بخشی از فهرست ممنوعیت‌ها برای زنان است. مشارکت زنان در بازار کار در حاکمیت این رژیم بین ۱۲ تا حداکثر ۱۵ درصد (۱۳) محدود مانده است. زنان در اژه کار مساوی با مردان از دستمزد کم‌تری نسبت به آنان برخوردارند و پیوسته تحت فشار انواع قوانین و بخشنامه‌ها برای کاستن از ساعات کار خود یا رهاکردن شغل‌های خود و پیوستن به میلیون‌ها زن بیکارند. قربانی اول فروپاشی اقتصادی کشور زنان هستند که باعث اخراج فزاینده زنان شاغل شده است. در عوض، فعالیت‌های رژیم برای کنترل و تحقیر زنان به‌ویژه به‌بهانه بدحجابی هیچ‌گاه توقف و کاهش ندارد. شمار نهادهای حکومتی که کنترل حجاب زنان را برعهده دارند، به‌بیست مورد رسیده است. این سرکوب‌گری‌ها گاه تا اسیدپاشی به‌صورت زنان توسط باندهای رژیم پیش می‌رود. نمونه دلخراش این جنایت، در پاییز سال ۱۳۹۳ در اصفهان رخ داد. به‌علاوه، زنان در سراسر ایران از تعرضات رذیلانه پاسداران، بسیجی‌ها و مزدوران لباس شخصی خامنه‌ای در امان نیستند.

۱۱ - تجاوز به حقوق بشر مردم ایران برای تحکیم سطله سرکوبگرانه آخوندها، همچنین با نقض فاحش حق مالکیت در ایران صورت می‌گیرد که برخلاف مواد مختلف اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌ویژه ماده ۱۷ آن است. مصادره خانه‌ها و هرگونه دارایی مخالفان سیاسی، دست‌اندازی بر اراضی و مراتع و جنگل‌ها و کوه‌هایی که در مالکیت عمومی است، مصادره شمار زیادی از خانه‌ها، مستغلات و دارایی مردم توسط «ستاد اجرایی» ولی فقیه (اغلب بدون هیچ دلیل و بهانه‌یی)، به‌یغما بردن عمده شرکت‌ها و بنگاه‌های سودده دولتی که باعث سطله بیت خامنه‌ای و سپاه پاسداران او بر بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی ایران شده و ... وجوهی از نقض فاحش حق

مالکیت در ایران توسط رژیم می است که بنیانگذارش از اولین هفته‌های شروع حاکمیت، ثروت‌ها و دارایی مردم ایران را به‌دیده غنائم جنگی می‌نگریست که می‌بایست به‌چنگ «شورای انقلاب» و «کمیته»های پاسداران بیفتد. (۱۴) کما این که بعدها به‌رئیس جمهور خود نوشت: حکومت می‌تواند قراردادهای خود با مردم را یک‌جانبه لغو کند. و می‌تواند هر امری را که مخالف «مصالح اسلام» است، از آن جلوگیری کند....(۱۵)

به‌همین سان، حق اشتغال آزادانه و حق برخورداری از مزد مساوی در ازای کار مساوی از مردم ایران سلب شده است. گروه بسیار محدودی شامل مقام‌های رژیم و وابستگان آن‌ها و اعضای نهادهای امنیتی و قوای نظامی از درآمدها و ثروت‌های بی‌حساب برخوردارند و اکثریت عظیم ملت از درآمدی که کفاف نیازهای ابتدای زندگی‌شان را بدهد، بهره‌مند نیستند. بیش از ۹۰ درصد نیروی کار ایران مجبور و محکوم شده است که تحت قراردادهای موقت و سفید امضا کار کند که آن‌ها را فاقد هرگونه امنیت شغلی کرده است. صدها هزار نفر از جوانان فقیر به‌ویژه در مناطق کردنشین ناچار به کولبری رو آورده‌اند، اما در اثنای همین اشتغال طاقت‌فرسا از تیرخوردن و کشته شدن پی در پی توسط پاسداران در امان نیستند.

در تهران و شهرهای بزرگ ایران، گروه پرشماری از مردم به‌دستفروشی در حاشیه خیابان‌ها رو آورده‌اند. اما پیوسته هدف حملات سرکوبگرانه و غارت‌داری اندک‌شان توسط مأموران رژیم قرار می‌گیرند.

۱۲ - مردم ایران تحت حاکمیت آخوندها، از حق تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگری و کارمندی و تشکل‌های مستقل دانشجویی محروم‌اند. به‌جای آن رژیم ولایت فقیه اتحادیه‌های ساختگی و فرمایشی را ایجاد کرده که بخشی از ساختار امنیتی و اطلاعاتی حکومت برای کنترل کارگران و کارمندان و دانشجویان‌اند. بسیاری از کسانی که برای ایجاد تشکل‌های مستقل به‌تلاش برخاسته‌اند، به‌ویژه کارگران و معلمان مبارز، توسط رژیم دستگیر شده و به‌حبس‌های طولانی و محرومیت از حقوق

اجتماعی خود محکوم شده‌اند.

۱۳ - تحت حاکمیت آخوندها بر مردم ایران تبعیض‌های وحشتناکی روا شده است. اعضای باندهای حاکم همه چیز را از آن خود کرده موقعیت‌ها و ثروت‌های افسانه‌یی به هم زده‌اند، از پرداخت مالیات معاف‌اند، از بی‌شمار رانت‌ها در همه زمینه‌ها بهره‌مند می‌شوند، موانع دست و پاگیر اداری و امنیتی برای آن‌ها وجود ندارد و به جرم خلاف‌ها و مفاسد بی‌شمارشان هرگز تحت پیگرد قرار نمی‌گیرند. حال آن‌که اکثریت عظیم مردم در برابر به‌اصطلاح دادگاه‌ها همواره طرف فرودست یا بی‌حقوق‌اند، در استفاده از فرصت‌های شغلی و تحصیلی، و در برخورداری از فرصت‌های اقتصادی سهم‌شان ناچیز یا هیچ است. و همواره به‌پرداخت رشوه و تحمل انواع تحقیرها و ظلم‌ها محکوم‌اند.

۱۴ - در حالی که داشتن مسکن مناسب، یک حق بنیادین بشری است، بسیاری از مردم ایران از این حق دور نگهداشته شده‌اند. امروز حدود بیست میلیون نفر در حومه‌های به‌شدت محروم شهرها و حلبی‌آبادها - موسوم به سکونت‌گاه‌های غیرمجاز - زندگی می‌کنند که فاقد حداقل خدمات شهری است. برثر سیاست غارتگرانه و پرفساد رژیم حاکم، میانگین مقاومت و ایمنی در خانه‌های شهری و روستایی، به‌ویژه خانه‌های احداث شده در سال‌های اخیر، به‌میزان خطرناکی پایین است و جان و زندگی میلیون‌ها ایرانی را در برابر حوادث طبیعی به‌خصوص در برابر زلزله بی‌دفاع گذاشته است. در ربع قرن اخیر ۵۰۰ هزار تن از هموطنان ما بر اثر حوادث طبیعی و بی‌عملی و تعلل جنایت‌بار رژیم حاکم در امر امدادسانی جان خود را از دست داده‌اند.

۱۵ - مردم ایران، گذشته از محرومیت از بسیاری حقوق خود، هم‌چنین از حق مطلع شدن از اسامی فرزندان شهید خود در قتل‌عام سال ۶۷ و بسیاری از اعدام‌های دهه ۱۳۶۰ از حق اطلاع یافتن از نشانی مزارهای جمعی آن‌ها

محروم‌اند.

از هنگام قتل عام، هر زمان که نشانه‌یی از یک مزار جمعی توسط خانواده‌های شهیدان کشف شده، رژیم ولایت فقیه به تخریب یا پوشاندن آن با بتون‌ریزی یا احداث ساختمان دست زده است.

۱۶ - دیکتاتوری شاه که خود را جزیره ثبات می‌پنداشت، سرانجام هنگامی سرنگون شد که زیر فشارهای بین‌المللی، حربه محوری نقض حقوق بشر - شلاق و اعدام - را کنار گذاشت. استبداد مذهبی حاکم با عبرت‌آموزی از سرنوشت دیکتاتوری پیشین، نقض وحشیانه حقوق بشر را به‌مثابه دینامیسم حیاتی خود، با تمام قوا حفظ و بازتولید می‌کند. با این‌همه، استمرار همین سرکوبگری‌ها و رودرویی بی‌وقفه با مردم ایران فرجامی جز سرنگونی حتمی این رژیم ندارد.

مقاومت ایران که برای برقراری آزادی، برابری و دمکراسی در ایران و برپایی یک جمهوری بر اساس جدایی دین و دولت مبارزه می‌کند، بر تعهد خود مبنی بر احیای حقوق بشر ایران، لغو حکم اعدام پس از سرنگونی رژیم ولایت فقیه و پایبندی کامل به «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «معاهده ضد شکنجه» و «معاهده حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، و هم‌چنین ایجاد یک نظام قضایی مدرن، مبتنی بر احترام به اصل برائت، حق دفاع، حق دادخواهی، حق برخورداری از محاکمه علنی و استقلال کامل قضات تأکید می‌کند.

باشد که در ایران فردا مردم ما «در بیان و عقیده، آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند» و «ظهور دنیایی» را به‌چشم ببینند که «به‌عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است» (۱۶).

پانویس

۱ - مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر

۲- «گزارش قتل فروهرها، به‌روایت پرستور فروهر»، بی‌بی‌سی، ۲ آذر ۱۳۹۵، رونویسی

شده نوشته‌های محسنی کارمند وزارت اطلاعات به تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۷۹ و نیز اصغر اسکندری معروف به سیاحی، کارمند وزارت اطلاعات، همان تاریخ: «کار حذف فیزیکی ... از سال ۱۳۷۰ در پرینت کاری از طرف وزارت برای ما مشخص شده بود و جزء وظایف قسمت ما بود». هم‌چنین: «این نمونه اقدام‌ها روال کار تشکیلات وزارت بوده ... تا حدی که در پیش‌بینی برنامه‌های سالانه شاخص‌ترین فعالیت‌های حذف و ربایش در نظر گرفته می‌شد».

۳ - حسن نوروزی، سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس، خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۱۷ مرداد ۱۳۹۶

۴ - گزارش عفو بین‌الملل در ژوئن ۲۰۰۷

۵ - قانون «نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی»، ماده ۲، تبصره ۵، روزنامه رسمی ۱۳۹۵ آبان ۲۹

۶ - همان قانون، ماده ۴

۷ - نامه محمود احمدی‌نژاد به‌خامنه‌ای، دولت بهار ۷ آذر ۹۶

۸ - قانون اساسی ولایت فقیه، اصل ۵۷: «قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند».

۹ - قانون اساسی ولایت فقیه، اصل ۱۶۷: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید».

۱۰ - «قانون مجازات اسلامی»، مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲۷۸

۱۱ - همان قانون، ماده ۲۸۲

۱۲ - محمد جعفر منتظری، دادستان کل، رسانه‌های دولتی ۲۸ بهمن ۹۵

۱۳ - در اسفند ۱۳۹۵، رئیس مرکز آمار، امیدعلی پارسا، با ادعای «افزایش محسوس نرخ مشارکت اقتصادی زنان» گفت: این نرخ به ۱۴.۹ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. (خبرگزاری دولتی ایسنا، ۲۳ اسفند ۱۳۹۵)

۱۴ - فرمان خمینی، ۹ اسفند ۵۷ درباره مصادره دارایی‌های باقیمانده از رژیم پیشین: «به جمیع کمیته‌های انقلاب اسلامی در سراسر کشور دستور می‌دهم که آنچه از این غنایم به دست آورده‌اند در بانک با شماره معلوم بسپارند. و به دولت ابلاغ نمایید که این

غنايم، مربوط به دولت نيست و امرش با شوراي انقلاب است، و آنچه مامورين دولت به دست آورده‌اند يا مي‌آورند، بايد به همين شماره به بانک تحويل دهند»، صحيفه خميني، ج ۶، ص ۲۶۷

۱۵ - اين نامه در ۲۱ دي ۱۳۶۶ نوشته شده است، صحيفه نور، ج ۲۰، صص ۴۵۲-۴۵۱

۱۶ - مقدمه اعلاميه جهاني حقوق بشر

حقوق برابر ملیت‌ها

ایران فردا، کشور برابری همه ملیت‌هاست. ما بر خودمختاری کردستان ایران که طرح آن را شورای ملی مقاومت تصویب کرده، تأکید داریم. زبان و فرهنگ هموطنان ما از هر ملیتی که هستند، در زمره سرمایه‌های انسانی تمام مردم این کشور است که باید در ایران فردا ترویج شود و گسترش پیدا کند. ماده هفتم از طرح ده ماده‌یی برای ایران فردا

رژیم آخوندی، دشمن تمام مردم ایران اعم از فارس و ترک و کرد و عرب و بلوچ است و از نظر سرکوب همه مردم در یک وضعیت هستند. هر چند بخش‌هایی از هموطنان ما از ستم مضاعف ملی و مذهبی هم رنج می‌برند و تحت ستم و سرکوب و تبعیض شدیدی از جانب رژیم آخوندی هستند. سرنگونی رژیم آخوندی لازمه پایان دادن به همه این ستم‌هاست. شورای ملی مقاومت از آغاز بر «رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و تنوعات ملی ایران و تأمین جمیع حقوق و آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برای آنها، در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی تجزیه‌ناپذیر کشور»، تأکید کرده است.

ما بر خودمختاری ملیت‌های ایران تأکید داریم. «خودمختاری داخلی به مفهوم رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و تنوعات ملی و وطنمان و تأمین جمیع حقوق و آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی تجزیه‌ناپذیر کشور».

احقاق حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی بخشی از برنامه شورای ملی مقاومت است. شورا در سال ۱۳۶۲ طرح جامعی برای خودمختاری کردستان ایران

تصویب کرد که چارچوب کار ما را در این زمینه مشخص می‌کند. در این طرح از جمله آمده است: «تمامی حقوق و آزادی‌های مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشورهای بین‌المللی مربوط به آن همانند آزادی اندیشه و بیان و آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل احزاب و نهادهای سیاسی و اتحادیه‌ها، شوراهای کارگری و دهقانی و اصناف، و انجمن‌های دمکراتیک، حق انتخاب شغل و محل سکونت، آزادی دین در منطقه خودمختار کردستان هم چون بقیه مناطق ایران تضمین می‌شود. تمام ساکنان کردستان از زن و مرد با دیگر ساکنان دیگر مناطق ایران و بدون هر گونه تبعیض جنسی، یا ملی یا نژادی و دینی در حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مساوی می‌باشند.»

هرکس که خواهان پایداری تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران است، از احقاق حقوق تمامی بخش‌های تشکیل‌دهنده ایران باید دفاع کند. ما هم‌چنین خواهان برابری پیروان همه ادیان هستیم. این برای ما دردآور است که خواهران و برادران اهل سنت ما نمی‌توانند مساجد خودشان را در ایران داشته باشند یا علمای اهل سنت تحت فشار و سرکوب مضاعف هستند. این ضد تعالیم اسلام است.

ما خواهان برابری کامل همه ملیت‌های ایرانی هستیم. این چیزی است که منافع ایران را محقق می‌کند و جزء برنامه‌های مقاومت است.

... ما می‌گوییم وجود ملیت‌های ستم‌زده، نیروی بزرگ و مؤثری برای سرنگونی رژیم و کسب آزادی است، پس باید شخصیت چند فرهنگی و چند زبانی ایران را غنیمت شمرد.

هموطنان ما که از ملیت‌ها و فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون برخوردارند، باید بتوانند به طور برابر در تصمیم‌های ملی مشارکت کنند، باید بتوانند هویت فرهنگی و دینی و زبانی خود را حفظ کنند، و باید بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، کار و تحصیل کنند و آن را اشاعه دهند.

(پیام مریم رجوی به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵)

یک آموزش و پرورش پیشرفته و آزاد

مهمترین خواسته‌های معلمان ایران که بارها در خلال تظاهرات یا انتشار اطلاعیه‌های آن‌ها اعلام شده، به روشنی برهم‌زدن نظام استبدادی و غارتگرانه حاکم بر آموزش و پرورش را هدف قرار داده است. یعنی:

آزادی معلمان زندانی
رسمیت یافتن حق اعتراضات صنفی فرهنگیان
تأمین حقوق دانش‌آموزان
آزادی فعالیت کانون‌های صنفی
انتخابی شدن مدیریت مدارس
بزرگاری مجمع عمومی کانون‌های صنفی معلمان
مشارکت معلمان در ساختار آموزشی
برقراری نظام آموزش رایگان
توقف خصوصی‌سازی مدارس و کالایی شدن آموزش
و رفع تبعیض و نابرابری نسبت به معلمان است.

ایران فردا یک آموزش و پرورش پیشرفته نیاز دارد که برای همه فرزندان ایران رایگان و الزامی است و از هرگونه انقیاد سیاسی و فرهنگی رها شده و شهروندان را به مشارکت سیاسی برمی‌انگیزد.

هم‌چنین یک آموزش عالی دموکراتیک بر اساس استقلال مؤسسات آموزش عالی و به رسمیت شناختن آزادی آکادمیک و یک نظام ورزشی فراگیر که اصل اساسی آن دسترسی رایگان و بدون تبعیض جوانان و نوجوانان شهر و روستا به انواع امکانات ورزشی است و فعالیت آزادانه و برابر دختران و زنان سراسر کشور در عرصه‌های گوناگون

ورزشی را فراهم می‌سازد. ما می‌گوییم وجود ملیت‌های ستمزده، نیروی بزرگ و مؤثری برای سرنگونی رژیم و کسب آزادی است، پس باید شخصیت چند فرهنگی و چند زبانی ایران را غنیمت شمرد.

هموطنان ما که از ملیت‌ها و فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون برخوردارند، باید بتوانند به طور برابر در تصمیم‌های ملی مشارکت کنند، باید بتوانند هویت فرهنگی و دینی و زبانی خود را حفظ کنند، و باید بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، کار و تحصیل کنند و آن را اشاعه دهند.

ما بر آنیم که اختناق و سانسور را در همه اشکال آن از میان برداریم. این شاهراهی است به سوی یک نظام دموکراتیک. ما بر آنیم از بیان آزادانه و فعالیت بدون محدودیت، شرایط انتخاب آزادانه را فراهم سازیم و مشارکت سیاسی را شکوفا کنیم. بگذارید دروازه‌های جهان و تمام دانش و اطلاعات آن به روی جوانان ایرانی گشوده شود.

ما بر برابری عموم آحاد مردم ایران تأکید داریم. برابری همگان در انتخاب کردن و انتخاب شدن. برابری زن و مرد در همه حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی و برخورداری همگان از فرصت‌های برابر در آموزش و پرورش، آموزش عالی، اشتغال و کسب و کار.

بله، ما در پی نظم تازه‌یی هستیم، بر اساس آزادی و دموکراسی و برابری. (پیام مریم رجوی به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵)

امروز خواست‌های معلمان پیشرو برای آزادی ایجاد تشکل، پایان یافتن

حبس و تبعید همکاران‌شان، پایان خصوصی‌سازی غارت‌گرانه آموزش و رفع فقر و تبعیض علیه فرهنگیان به‌خواست‌های همه‌گیر در جامعه آموزشی ایران تبدیل شده است.

دانشجویان، دانش‌آموزان و دانشگاهیان نیز با آگاهی از بحران‌های درونی و بیرونی بزرگی که رژیم را محاصره کرده، دوران تازه‌یی از جنبش و کوشش مبارزاتی علیه این رژیم را آغاز می‌کنند.

آموزش و پرورش ایران، آموزش عالی ایران و ورزش ایران مثل سایر شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور کم‌ترین اصلاح و بهبودی پیدا نمی‌کند مگر این که در گام اول رژیم ولایت فقیه سرنگون شود.

(پیام مریم رجوی به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۷)

ایران غیر اتمی

ایران آزاد فردا یک کشور غیر اتمی و عاری از سلاح‌های کشتار جمعی خواهد بود.

ماده دهم برنامه ده‌ماده‌یی برای ایران آزاد فرد

... ایران آزاد فردا یک کشور غیر اتمی و در صلح با همه کشورهای جهان خواهد بود. اولین بار مقاومت ایران بود که سایت‌های مخفی رژیم را افشا کرد. بیش از ۸۰ افشاگری به‌خصوص در مورد سایت‌های نطنز، اراک، فردو، لویزان، شیان انجام شده است. این‌ها همه به‌وسیله مقاومت ایران افشا شد. من می‌خواهم این‌جا تأکید کنم که مردم و مقاومت ایران، ایران اتمی نمی‌خواهند. پروژه اتمی برخلاف منافع ملی مردم ایران است و این تنها در خدمت دیکتاتوری مذهبی است. این یک پروژه ضد ملی، بسیار گران به‌لحاظ اقتصادی و بسیار به ضرر مردم ایران است. مردمی که ۷۰ الی ۸۰ درصدشان زیر خط فقر هستند. در حالی که ایران، تعداد بسیار زیادی چاه‌های نفت و گاز دارد، هیچ احتیاجی به انرژی هسته‌یی ندارد. بنابراین خیلی روشن است که این رژیم دنبال بمب هسته‌یی است. از این‌رو از سوی مقاومت و مردم ایران می‌گوییم که ما خواستار توقف پروژه اتمی هستیم. (بخشی از مصاحبه تلویزیون فاکس نیوز با مریم رجوی- ۱۵ تیر ۱۳۹۴)

... مقاومت ایران از آغاز، رودروی این رژیم و رودر روی متحدان و استمالت‌گران رژیم، گفت که پروژه تولید بمب اتمی، یک برنامه ضد ملی و خیانتکارانه است و باید بر چیده شود.

مقاومت ایران در سال ۱۳۸۲، سایت‌های نطنز و اراک را افشا کرد؛ در حالی که هیچ‌کس در جهان، تا آن زمان، از آن مطلع نبود. مقاومت ایران، هم‌چنین، سایت فردو در قم را افشا کرد. در حالی که

دولت‌های بزرگ، آن را به سکوت برگزار کردند و برای این که رهبران آمریکا و فرانسه و انگلیس درباره آن صحبت کنند، چهار سال طول کشید. حالا، مهمترین عناصر بحرانی که گلوی رژیم را فشار می‌دهد، همین سایت‌های نطنز و اراک و فردو است.

خامنه‌ای و دار و دسته‌اش باید پاسخ بدهند که چرا ۲۰۰ میلیارد دلار از دارایی ملت ایران را برای ساختن بمب اتمی و به خاطر نیات ضدبشری خود برباد دادند و اکثریت جامعه ایران را به فقر و گرسنگی کشاندند؟ و چرا این همه شکنجه و اعدام کردند تا چنین برنامه شومی را در اختناق و سکوت پیش ببرند؟

(سخنرانی مریم رجوی در گردهمایی انجمنهای ایرانی کشورهای اسکانیدیناوی در اسلو- ۶ اسفند ۱۳۹۲)

... برخلاف تبلیغات رژیم ایران و لابی‌هایش در غرب، مردم ایران با برنامه اتمی ملاها مخالفند. این که آخوندها می‌گویند برنامه هسته‌یی، مایه غرور ملی ایرانیان است دروغ محض است. ما به افشای برنامه هسته‌یی ملاها افتخار می‌کنیم و به آن ادامه می‌دهیم. چون تماماً برخلاف منافع مردم ایران است.

(پیام ویدئویی به جلسه در کنگره آمریکا: چالش‌ها و راه‌کارها در کنگره آمریکا_ ۲ مرداد ۱۳۹۴، ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۵)

... از جانب مقاومت ایران که نخستین افشاگر برنامه و تأسیسات مخفی اتمی این رژیم و پرچمدار یک ایران غیراتمی بوده است، می‌گویم: خلاصی از خطر اتمی و تروریسم این رژیم در خلاصی از تمامیت آن است. رژیم ولایت فقیه بدون تروریسم و سرکوب و تسلیحات کشتار جمعی وجود ندارد.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران- ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷

موضعگیری مریم رجوی بعد از امضای توافق اتمی

بین رژیم آخوندها و کشورهای ۱+۵

۲۳ تیر ۱۳۹۴

توافق اتمی بین رژیم آخوندها و کشورهای ۱+۵، به رغم همه کمبودها و امتیازهای ناموجهی که در آن به رژیم ملایان داده شده است، یک عقب‌نشینی تحمیلی و نقض خط قرمزهای اعلام شده از سوی خامنه‌ای است که در ۱۲ سال گذشته بارها و از جمله در هفته‌های اخیر به طور مکرر بر آن فشاری کرده بود.

دور زدن شش قطعنامه شورای امنیت و یک توافق بدون امضا که الزامات یک معاهده رسمی بین‌المللی را ندارد، البته راه فریبکاری ملایان و دستیابی آنها به بمب اتمی را نمی‌بندد. با این همه، همین میزان عقب‌نشینی، هژمونی خامنه‌ای را هم چنان که مقاومت ایران از قبل خاطر نشان کرده است، در هم می‌شکند و تمامیت فاشیسم دینی را تضعیف و متزلزل می‌کند.

این عقب‌نشینی که کارگزاران نظام از آن به عنوان جام زهر اتمی نام می‌برند، ناگزیر به تشدید جنگ قدرت در رأس رژیم و بر هم خوردن تعادل درونی آن علیه ولی فقیه فرتوت راه می‌برد. جنگ قدرت در رأس رژیم به تمامی سطوح آن تسری پیدا می‌کند. از این‌رو مضمون و ساختار توافق مزبور را به اختصار می‌توان «باخت-باخت» توصیف کرد.

تن دادن خامنه‌ای و رژیمش به همین توافق نیز از وضعیت انفجاری جامعه ایران، آثار فرساینده تحریم‌ها، بن‌بست سیاست رژیم در منطقه و هم‌چنین نگرانی آن از تشدید شرایط توافق‌نامه از سوی کنگره آمریکاست.

اگر کشورهای ۱+۵ قاطعیت به خرج می‌دادند رژیم ایران هیچ چاره‌ی جز عقب‌نشینی کامل و دست کشیدن دائمی از تلاش برای دستیابی به بمب اتمی و مشخصاً دست برداشتن از هرگونه غنی‌سازی و تعطیل کامل پروژه‌های بمب‌سازی نداشت.

اکنون هم باید با قاطعیت بر روی عدم دخالت و خلع ید
از رژیم در سراسر منطقه خاورمیانه پافشاری کنند و این
ضرورت را به عنوان یک اصل بنیادین وارد هر گونه توافقی
بنمایند

در غیر این صورت هر کشوری در این منطقه پر جنگ و آشوب
حق دارد خواستار تمام امتیازاتی شود که به رژیم آخوندها داده
شده است و این حاصلی جز تشدید مسابقه فاجعه بار اتمی
در این قسمت از جهان ندارد.

نکته مهم دیگر اینست که پول‌های نقدی که به جیب رژیم ریخته می‌شود
باید تحت کنترل شدید سازمان ملل، صرف نیامزندی‌های مبرم مردم ایران
به ویژه حقوق اندک و پرداخت نشده کارگران و معلمان و پرستاران و تامین
غذا و دارو برای توده مردم شود. در غیر این صورت خامنه‌ای پول‌ها را
کماکان در چارچوب سیاست صدور تروریسم و ارتجاع به عراق و سوریه و
یمن و لبنان سرازیر می‌کند و قبل از همه، جیب پاسداران نظام را پرت‌تر از
همیشه می‌کند.

این حق مردم ایران است که می‌خواهند بدانند از توافقی که رئیس جمهور
رژیم می‌گفت آب و نان و محیط زیست هم مشروط و موقوف به آن است،
به آنها چه می‌رسد؟ به راستی توافقی که حقوق بشر مردم ایران را نادیده
بگیرد و بر آن تاکید و تصریح نکند، تنها مشوق سرکوب و اعدام‌های بی‌وقفه
از جانب این رژیم، لگدمال کردن حقوق مردم ایران و زیر پا گذاشتن اعلامیه
جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد است.

زمان حسابرسی از این رژیم ضد ایرانی و به پا خاستن برای
سرنگونی حاکمیت نامشروع آخوندی و برپایی یک ایران
دمکراتیک و آزاد و غیراتمی فرا رسیده است.

خطاب به مردم ایران که قربانیان اصلی برنامه شوم اتمی رژیم ولایت فقیه با صدها میلیارد دلار هزینه صرفاً به خاطر تضمین بقای این رژیم بر مسند قدرت بوده‌اند و اکثریت عظیم آنها در زیر خط فقر بسر می‌برند، یادآوری می‌کنم: زمان حساسی از این رژیم ضد ایرانی و به‌پا خاستن برای سرنگونی حاکمیت نامشروع آخوندی و برپایی یک ایران دمکراتیک و آزاد و غیراتمی فرا رسیده است.

۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵)

خورشیدی در حال تولد است...

هم‌میهنان،
آخوندهای حاکم نعره می‌زنند که ولایت مطلقه فقیه را تا ابد حفظ خواهند کرد.

مماشات‌گران به ما می‌گویند آزادی، رویایی است که باید فراموشش کنید. مبلغان رژیم می‌گویند مردم پای خود را قلم می‌کنند که دوباره برای تغییر رژیم برخیزند.

آنها به طعنه به ما می‌گویند فداکاری و آزادی‌خواهی عتیقه‌هایی است که به تاریخ پیوسته است. و می‌گویند آن «فرو ریخته گلهای پریشان در باد»، به عبث خود را فدا کردند.

ولی ما می‌گوییم شور و نیرویی هست در دل جامعه و تاریخ ایران و عطش سوزانی در وجود سرکوب شدگان که جهان بینی ذلت و تسلیم با آن بیگانه است.

این طغیان انرژی‌های حبس شده و آرزوهای به بند کشیده شده است. و این عشق سرکش به آزادی است که همچون سیلابی خروشان همه بندها را خواهد گسست

ما یقین داریم به تولد بزرگی که هیچ نیرویی در جهان نمی‌تواند مانع آن شود.

آری، خورشیدی در حال تولد است
آسمانی که آهسته آهسته روشن می‌شود
و آفتابی که از آزادی سخن گفت،
سر می‌زند.

روزی می‌آید که هر ایرانی از حق زندگی، حق آزادی و حق امنیت برخوردار است و همه مردم در برابر قانون برابرند.

روزی می‌آید که سپیده دم فرح بخش آزادی، زندگی مردم ایران را

فراخواهد گرفت. آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی مطبوعات، و آزادی پوشش.

روزی می‌آید که زندگی در جهنم ولایت فقیه، جای خود را به زندگی در یک جامعه دمکراتیک خواهد داد. تا هر کس حق داشته باشد در تصمیم‌گیری بر سر مهمترین امور سیاسی جامعه خود شرکت کند و حق تغییر حکومت برای مردم محترم باشد.

روزی می‌آید که به جای این برهوت سوخته، صد گل در هر جای ایران بشکفت. با آزادی هر عقیده، هر حزب و اجتماع و هر تشکل و سندیکا. روزی می‌آید که در آن جراثقال‌های اعدام و اتاق‌های شکنجه و تعزیر فقط نام‌های وحشت‌آوری در افسانه‌هاست.

روزی می‌آید که دره هولناک تنگ نظری جای خود را به دشت سپید مدارا و بردباری می‌دهد، هیچ دینی دارای حق و امتیاز ویژه‌یی نیست و هیچ کس به خاطر اعتقاد یا عدم اعتقاد به دینی از حقوق خود محروم نمی‌شود و دین و مذهب از دولت جداست.

روزی می‌آید که ظلمت سرای سرکوب و تبعیض علیه زن ایرانی فرومی‌ریزد و برابری زن و مرد، جامعه ایران را به دنیای نوینی رهنمون می‌کند.

پس:

«به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی...»^۱
و برای تحقق آرمان سی خرداد و فروغ جاویدان، همگان را به گسترش مبارزه برای سرنگونی فاشیسم مذهبی فرا می‌خوانم.
(سخنرانی در اجتماع ایرانیان در پاریس - ۷ تیر ۱۳۷۸)

۱- از دکتر محمد مصدق پیشوای نهضت ملی ایران

کلام آخر؛ مقاومت برای آزادی

اما کلام آخر، همان کلمه اولی است که برای آن به پاختیم؛ یعنی مقاومت برای آزادی. این تعهد را البته ما آغاز نکرده‌ایم؛ ادامه تکاملی انقلاب مشروطه و نهضت دکتر مصدق و قیام سی تیر است که در آستانه سالروزش قرار داریم، و پاسخ به آرزوهای به‌یغما رفته انقلاب بهمن است و امتداد سرخفام سی خرداد. بله، این تعهد را ما آغاز نکرده‌ایم؛ پیشتانس، پیامبران و مصلحان بزرگند.

در تورات، خدا به موسی گفت: من تو را صدا کردم؛ برای آزادی اسیران و برای آزادی کسانی که در ظلمت زندگی می‌کنند. در انجیل آمده است که عیسی گفت: «برای کسی که باور دارد، همه چیز امکان پذیر است». و قرآن گفته است: پس مقاومت کن، مقاومتی زیبا؛ همانا آن‌ها، آن‌را دور می‌بینند و ما نزدیکش می‌بینیم. این تعهدی است که در سراسر تاریخ، هیچ سدی، هر قدر قطور و سخت در برابرش دوام نیاورده است.



در برابر مقاومت مردم ایران نیز، استبداد دینی دوام نخواهد آورد. آری، عصر تازه‌یی در ایران طلوع می‌کند و جامعه‌یی بر اساس دموکراسی، جدایی دین و دولت و برابری زن و مرد شکوفا خواهد شد. برای این مقصد پرشکوه، ما مقاومت را انتخاب کرده‌ایم؛ ما مقاومت را انتخاب کرده‌ایم؛ در هر کجا و به هر شکلی که آرمان آزادی می‌طلبد. ما مقاومت را انتخاب کرده‌ایم؛ تا هر زمان که ظلم و استبداد باقی است. و به این انتخاب افتخار می‌کنیم. ما از پا نخواهیم نشست تا روزی که آزادی، دموکراسی و برابری هم‌چون رودی خروشان از آذربایجان تا بلوچستان و از خراسان تا خوزستان جاری شود. ما از پا نخواهیم نشست تا روزی که همه ایرانیان با همه عقایدشان و با همه تفاوت‌هایشان دست در دست هم، پرچم پیروزی را به‌هتزاز درآورند: پرچم ایران آزاد و دمکراتیک.

(سخنرانی مریم رجوی در گردهمایی بزرگ ایران آزاد
پاریس-۱۹ تیر ۱۳۹۵)

